

اعتراض جهانیان علیه اعدام رفیق انوشیروان لطفی

یابیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (انگلیز)

درباره رویدادهای اخیر کشور

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نظریه اهمیت وحسب سیاست رویدادهای و تحولات اخیر کشور، آنها را مورد توجه و بررسی قرار داده، تا کیدمی کند که آنچه در زمینه فعل و انفعالات در حکومت، وضعیت جنگ و تعرضات تازه علیه نیروهای انقلابی و دیگر مخالفان رژیم رخ میدهد، رویدادهای است مرتبط با یکدیگر که وضعیت جدیدی را در واقع سیاسی کشور با زتاب میدهد.

مهمترین رویداد دوره اخیر، قرار گرفتن رفسنجانی در راس نیروهای مسلح رژیم تحسنت عنوان چا نشین فرما شده است. این تحول نتیجه روندی بوده است که طی سال های اخیر، منازعات درون حکومت به همراه داشته است. طبعی این روند، با حمایت خمینی از رفسنجانی و دولت، جناح رسالت در حفظ مواضع خود در ارگان های رژیم شکست خورد و این شکست با نتایج انتخابات مجلس سوم و برگماری رفسنجانی به کفالت فرمادهی کل قوا تشبیه شد. طی این روند، منتظری به عنوان شخص اول رژیم پس از خمینی، موقعیت خود را از دست داد و رفسنجانی به قدرت مندترین رجل حکومتی پس از خمینی، تبدیل شد. اینک او شکستی را بر عهده میگیرد که "مصلحت" نظام جمهوری اسلامی میطلبد. انتخاب اخیر، گامی است مهم در مسود رفسنجانی به موقعیتی که برپایه آن بتوانند مساله چا نشینی خمینی را به سو دخود حل کنند. موقعیت رفسنجانی در راس با جناح ها و دسته بندی های حکومتی و نظرات آنها نسبت به وی، این امکان را توویت میکند، انتخاب رفسنجانی به این مقام توجه به این امر نیز بوده است که رژیم برای ما نورهی تازه، زدو بندهای پنهانی و تصمیم گیری در مورد سرنوشت جنگ و انبوه معضلات رژیم را مساعتر زد.

تحول با اهمیت دیگری که طی دوره های اخیر تکوین یافت، شکل گیری و تقویت جریان های آزیمان نیروهای مخالف جناح رسالت در حکومت در جریان انتخابات مجلس بود. این جریان با حمایت موثر "بیت امام"، در "روانشیت مبارز تهران" انشعابی را سازمان داد و "روانشیون مبارز تهران" را تاسیس نمود. این نیرو که با چهره های چشمن محتشمی و خوشبینی ها مشخص شده است، همچنان می کوشد با کمک شعارهای "دفاع از مستضعفین و محرومین" و با تعرض و تبلیغات علیه آمریکا، چهره سرکوبگر، آزادی کش و جنگ طلب خود را پنهان سازد. طی ماه های اخیر و واقع جنگ به میزان رژیم تغییر کرده است. نیروی نظامی رژیم، نه تنها در دریا و هوا، بلکه در زمین نیز پیش از پیش تضعیف شده است. شکست های بسیار سنگین در فوا و شلمچه و انهدا بخش مهمی از نیروهای دریایی و شنکشن های ایران در خلیج فارس، ضربات روحی - روانسی و اقتصادی سنگین ناشی از جنگ شیره، افزایش شدید ناظران و فیکران روچه و انگیزه در صفوف ارتش و حتی سپاه و بسیج، استراتژی جنگی رژیم را بسیار شکست های فلاتک بار و روبرو ساخته و امکانات رژیم را برای جنگ پیش از هر زمان دیگر محدود کرده است. اما این امر مانع از آن نیست که در چشم انداز نزدیک، رژیم به یک بسیج نیرویها چه به منظور "انتقام گیری از عراق و اجزاء" روچه رزمی نیروهای خود، دست بزند. تا کید خمینی مبنی بر این که دادگاه های نظامی با یدقا طه نه عمل کنند، مشخصا ناظر بر همین مساله بوده و بی تکر حاساست و هر اس رژیم در مقابل هر نوع انتقاد، اعتراض و تحرد نظامیان در یک چنین وضعیتی است.

سپردن اختیار نیروهای مسلح به رفسنجانی، نوعی نگرانی رژیم نسبت به سرنوشت جنگ را با زتاب میدهد. احساس ضعف و احساس خطر در پس این تصمیم نهفته است. رژیم با این اقدام می خواهد تمام مکانات کشور را برای تصمیم گیری پیرامون سرنوشت جنگ بسیج کند.

هیات سیاسی سازمان با ردیگر تا کید می کند که دا به جنگ بزرگ ترین زیان ها را متوجه کشور ما و بیژ کشور عراق می کند و هر روز و هر لحظه ای که اسلام شش بی به بیانه تعیین متجاوز، برداخت فرست و ا هر بیانه فیکران به تعویق افتد، ضربات و زپان های بقیه در صفحه ۲

☆ فریاد اعتراض ایرانیان در سراسر جهان

☆ پیام همبستگی احزاب برادر و سازمانهای ترقیخواه

☆ اعتراض سازمان عفو بین الملل

در صفحات ۶ و ۷



عادی سازی رابطه با انگلیس و فرانسه

پس از آن که شکست استراتژی جنگی و مجموعی سیاست های رژیم در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و به ویژه در عرصه سیاست خارجی، بر همگسبان آتکا رگر دید، بحث و اختلاف نظر پیرامون شکست های بی دربی در مطبوعات رژیم و مجلس حدت گرفتند و علنی شد. روزنامه های رژیم از ضرورت تدوین سیاست های تازه سخن به میان آوردند و بررسی از نمایندگان مجلس در بنطق های پیش از دستور خود از عدم وجود یک سیاست منسجم برای اداره وادامه جنگ، انتقاد کردند.

در درون "راه جوئی ها" و درگیری های سران رژیم، مسئله "سیاست خارجی" یکی از موضوعات مهم مورد بحث بوده است. به طوری که در مجلس از اتخاذ سیاست های ضد ترقی که به تحریک همه کشورها و نیروها علیه ایران، انجام میدهد، به شدت انتقاد شد.

حدت بحران اقتصادی، شکست های سنگین در جنگ، رشد چشمگیر رفاه و مخالفت مردم نسبت به جنگ و رژیم، و سرانجام علنی شدن درگیری های جناح های مختلف حکومت بر سر چگونگی اداره وادامه جنگ و سیاست خارجی، سران رژیم را به چاره اندیشی حدی واداشت.

انتخاب رفسنجانی به چا نشینی فرمادهسی کل قوا، که در بیانه هیئت سیاسی کمیته مرکزی، مندرج در همین شماره "کار"، مورد بررسی قرار گرفته، مهم ترین شاخص تمهیدات تازه رژیم است. "عادی سازی" شتاب آلود را بطنه با فرانسه و انگلستان نیز جزئی از این چاره اندیشی ها است. رساله های خبری و مطبوعات غربی در مجموع از تحولات اخیر حکومت ایران با عباراتی چون، تحکیم موقعیت شخصیت های "میان درو" و "واقع بین" استقبال کردند. دولت های فرانسه و انگلیس نیز اوضاع را برای برقراری مجدد رابطه و تحمیل شرایط خود، به زیان منافع ملی مردم ایران، مناسب تر بقیه در صفحه ۲

در بیم شکست های تازه در جبهه ها

روزی که در خرداد، سپاهیان خمینی به حمله بزرگ دیگری در جبهه های جنوبی دست زدند، این حمله علیرغم نیروی عظیمی که در آن به کار گرفته شدند و است اهداف مورد نظر سران رژیم را تا مین کند. تبلیغات جنون آمیز واهی و هوی نخستین رژیم در مورد "بیروزی بزرگ" به سرعت فروکش کرد، سران رژیم ترجیح دادند که خیلی زود این حمله را به فراوانی بسیار کنند. اما این حمله برای هزاران خانواده ای که جوانان خویش را در جریان آن از دست دادند، فراوانی نبود، همانا تکیه به حملات قبلی برای هزاران خانواده را غدا فراموش شده است. تا گامی رژیم اسلامی در حمله اخیر خود که هدف عمدتاً بحران شکست های سنگین اخیر در جبهه ها و احیای روحیه رزمی در نیروهای مسلح بود، در عین حال نخستین شکست اقدام جنگی رفسنجانی در مقام فرمادهی جنگ به حساب می آید.

تصمیم سران رژیم به ایجاد دفترهای در سطح فرمادهی نیروهای مسلح و متمرکز کردن بیش از پیش آنها زیر یک فرماندهی واحد، برای بالابردن توان و روحیه متزلزل نیروهای مسلح در ادا مسه جنگ بوده است. رفسنجانی در مصاحبه ای سپس از انتخابش، این منظور را خاطر نشان ساخت و تا کید کرد که هدف از این انتخاب، ایجاد تمرکز بیشتر در میان نیروهای مسلح در ادا مسه جنگ است. خمینی به هنگام انتخاب رفسنجانی گفت که دادگاه های نظامی با یدقا قاطعیت کار کنند و رفسنجانی در مقابل نشین فرماده کل قوا، وظیفه اجرای این فرمان یعنی تشدید اختناق، سرکوب و دیکتا توری در درون نیروهای مسلح و برتسوسود سرپازان و افسران میهن پرست را بر عهده دارد. رژیم برای اینکه بتواند به جنگ ادا میدهد، به کنترل سرکوبگران و نیروهای مسلح خود، هر روز نیاز بیشتری پیدا می کند. سیاست بسیج نیرو و در اس شکست خورد و ولایت فقیه علیرغم همه فشارهای که بر مردم می آورد، توان بسیج نیرو را به بقیه در صفحه ۳

کفرانس سران عرب و تحولات اوضاع خاور میانه	۸ ص
سیمایی از روستا در جمهوری اسلامی	۲ ص
فاجعه اعتبار و عوامفریبی های رژیم	۲ ص
حفظ حجاب اسلامی به زور شلاق	۷ ص
کفرانس ستول؛ میدان نبردهای سیاسی و ورزشی	۹ ص
شبه کودتای ضیا الحق	۹ ص
چگونه بخش کنیم؟	۴ ص

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

درباره رویدادهای اخیر کشور

سنگین تری متوجه منافع ملی کشور ما می شود. تمام بار مسئولیت این خیانت بزرگ بر عهده سران خائن و جنایت کار جمهوری اسلامی است.

در ماههای اخیر، به خصوص پس از مبارزات، وضع زندگی مردم به مراتب، فلاتک بارت شده است. وضع اقتصادی کشور هیچگاه تا این حد بحران زده و خرابتر نشده است. وضعیت بگونه ای است که مردم بی بی بی و آست را، اعتراض و ناراضی خود را از رژیم و مشخصا از ادا مده جنگ، بیان می کنند. بیم ز مردم بی بی بی ناشی از رشد نا رضای توده های، امروز بیش از پیش سران رژیم را فرا گرفته است. سرکوب، بازداشت و اعدام انقلابیون و مخالفان رژیم، در همین راه بی نظیمه تا بل توضیح است. در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان ما به مناسبت شهادت رفیق قهرمان، انوشیروان لطفی، تا کید شده بود که ادا رفیق انوشیروان لطفی، مشخصا یک تصمیم سیاسی است که قبیل از همه نگرانسی رژیم ز آینده خود را با زتاب می دهد. دستگیری شمار زیادی از سران جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران و "نیضت آزادی" در این شرایط نیز همین نگرانی را با زتاب داده و نشان می دهد که سران رژیم حتی از جانب "پوزیسین قانونی" خود نیز کمترین ناراضی و انتقاد را تحمل نمی کنند. سازمان ما بپوش رژیم به این جمعیت را محکوم می کند. در عین حال متذکر می شویم که آنان اگر چه دفاع از آزادی را وظیفه خود اعلام می کنند، اما نتوانند امروز در برابر سرکوب نیروهای سیاسی مترقی

ایران و بیادشت و اعدام مبارزان انقلابی و کمونیست، سکوت کرده و تنها آزادی خود دفاع کرده اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه هم میهنان و نیروهای آزادی خواه کشور هشدار می دهد که رژیم برای نجات از بحران زده و خراب شده است که سران آن را فرار گرفته، اما مده است به هر جناحی دست زند. با بدبا گسترش اعتراض علیه جنایات رژیم و فشارهای هر چه وسیع تر متقاضی نمودن رژیم را از رژیم کسب جنایات دیگری زداشت.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در این مقطع حساس که ارتجاع حاکم بر کشور است، در ضعیف ترین موقعیت خود، طی تمام طول حیاتش قرار گرفته است. در این مقطعی که نظامی است و گشاکش های درون هیات حاکمه، شکستهای فزاینده با جنگ و تشدید ناراضی و اعتراض مردم، سران رژیم را این چنین از سر نوشت خود بیمناک و آرزینده، خویش نگران ساخته است. همه نیروهای مترقی، دموکرات و صلحجوی کشور را مخاطب قرار داده و تا کید می کنند که رژیم را قانونی و مشروع در راه نجات کشور از جنگ رژیم ولایت فقیه و تا مین صلح و آزادی، حداقل هماهنگی و اشتراک مساوی را بین خود پیدا کنیم، فلکات و اختناق همچنان ادا مده خواهد یافت. امروز اگر راه نجاتی برای کشور ما متصور باشد، راهی است که با اهما همه صلح دوستان و آزادیخواهان کشور هموار می شود.

فدائیان خلق ایران در پدیا سخگوشی به نیا زهای مبرم جنبش و در برابر اوضاعی که در کشور در حال گسترش است، خواستار اتحاد همه نیروها، جمعیت ها و

شخصیت های صلح دوست و آزادی خواه کشور که خواهان سرنگونی رژیم ولایت فقیه هستند، در یک جهت وسیع است. در این راه، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای چپ و دموکراتیک کشور منحل از، حزب توده ایران، فدائیان خلق پیرو بیانیته آذر، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و دیگر نیروهای چپ ایران، از نیروهای حزب دمکرات کردستان، از سازمان مجاهدین خلق ایران، جنبه دمکراتیک ملی ایران و دیگر نیروهای شورای ملی مقاومت، و نیز از جمعیت ها و شخصیت های کسب هرنوع ولایت و سلطنت را رد می کنند و خواهان استقرار بلا شرط صلح و براندازی رژیم ولایت فقیه و تا مین آزادی سیاسی هستند. دعوت می کنند که برای سازمان ندهی عمل و اعتراض هماهنگ و متحد علیه سرکوبگری ها و آزادی کشی های سران رژیم، علیه سیاست ایران برپا داده اده جنگ، و بیست سران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکنند. با شکده نزدیکی و همگامی و اتحاد همه نیروهای دمکراتیک ایران، راه فرار از این رژیم منحل از بحران حادی که گویا نگرانی است را سدودت و در لحظه مرگ آن را تنذیک می سازد.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی زنده با صلح، زنده با آزادی هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۱ خرداد ۱۳۶۷

عادی سازی ...

دیدند. بدین ترتیب روند از سرگیری رابطه، پس از ردوبدل شدن علنی پیامها و مسافرت پیپک هسهای جمهوری اسلامی به فرانسه و بریتانیا شتاب گرفت.

سران رژیم، مذاکره برای "عادی شدن" رابطه با بریتانیا را ضمن استفاده از مساله گروگانها، با نازدن نبرسیکی - دومیلیون لیره خسارت وارده به سفارتخانه آنها از طرفین آغاز کردند و در حالی بود که در رابطه با فرانسه، برای آنکه سریع تر به ۶۰۰ میلیون دلار از او مبلغ بگردد، ایران دست یابند. از ۴۰۰ میلیون دلار از او و فیس و عوام مذکور به حساب جیب خالی مردم ایران "گذشت" کرده و خیانت های مکرر در دادگاهها در مواجبه ادا عا های شرکت های آمریکائی را تکمیل نموده بودند.

برای سران حکومت، خروج از انزوای سیاسی در این شرایط، مساله ای بسیار جدی است. آن چنان که حاضرند به خاطر آن، بسیاری از حقوق مردم و مصالح ملی کشور را قربانی کنند.

آقا زاده وزیر نفت رژیم در مصاحبه ای با لوموند، این "گشاده دستی" رژیم را به خوبی نشان داد. او ضمن اشاره به حجم عظیم معاملات رژیم با شرکت های اروپائی، گوید که دولت فرانسه را متوجه سود سرشاری کند که از قبیل گسترش مناسبات با رژیم خود سرشاری عایدش خواهد شد. وزیر نفت رژیم برای جلب تلسوب سران فرانسه تا بدینجا پیش رفت که پیشینه استعما رگران فرانسوی را یکباره منکر شد! او بدون آنکه جنایات استعما رگران فرانسوی در الجزایر و در هندها کشور دیگر را به خاطر آورد، علت شکرتاب بیسودن رابطه رژیم خمینی با آمریکا و انگلیس را، پیشینه استعما رگران این کشورها دانست و یاد او رشد کرده فرانسه چنین پیشینه ای ندارد. رژیم ایران به فرانسه به چشم دیگری نگاه می کند.

عقب نشینی های رژیم در مناسبات بیسوادول امپریالیستی، بدون تردید به فرانسه محدود نیست. و پیک های خمینی و رستخانی در لندن نیز همین سیاست را با رفع "تاهام" پیشینه استعما رگسری انگلیس دنبال می کنند.

سران خیانت پیشه رژیم جمهوری اسلامی کسسه بعد از انقلاب بهمین مناسبات عا دلانه اقتصاد دی رژیم شاه با امپریالیسم انگلیس را عمدتا حفظ

کردند، اکنون می روند تا بهای قربانی کسردن بیش از پیش منافع ملی مردم میهن ما، از انگلیس بخوانند تا در وقت تنگ دستی و بحران تنها یثسان نگذارند.

وضع بسیار ضعیف رژیم در سیاست خارجی، که نتیجه مستقیم بی کفایتی، خیانت بینگی و ماجراجویی سران حکومت است، نه تنها دول انگلیس و فرانسه، بلکه حکومت ویکان را نیز به فرانت ادا خسته تا بار دیگر برنا مای را که به رسوائی "ایران - کیست" انجامیده بود، در دستور بگذارد. مطبوعات آمریکا از ملات های بی نظیانی مفا مات آمریکا تا بیجا نما بیندگان رژیم خمینی و میانجیگری برخی از سران کشورهای عربی خاور میانه، خبر می دهند و مفا مات وزارت خارجه آمریکا، برای ملات و مذاکره با اعلام آمادگی می کنند و همه اینها در شرایطی است که رستخانی و ادا زودستی خیا تینه اش، علاوه بر سر اقدام تا پشت پرده، به اشارات و اظهار آمادگی های علنی خود نیز پرداخت بخشیده است.

در چنانچه بفرنج کوشی، داشتن مناسبات سیاسی اجتماع، فرهنگی و اقتصادی با دولت ها و کشورهای دیگر که از سوی مجامع بین المللی تحریم شده اند، بسک ضرورت انکارنا پذیر است. داشتن یک سیاست خارجی روشن، صریح و مبتنی بر منافع ملی، از جمله شروط مهم بهره برداری از روابط خارجی به سود ترقی و رفاه ملی کشور است. بعد از انقلاب بهمین، به استکرای حضور میلیونها نفر از مردم انقلابی و بسسه یا خاسته میهن ما، در میدان منازره، زمینه های کاملا مسا عدی برای بهره زدن روابط خارجی تا برای برابری با نه رژیم شاه و برقراری روابطی نوین، مبتنی بر منافع ملی و در خدمت رشد و ترقی کشور، پدید آمد. اما سران مترجع رژیم در مسیصر خیانت به سران های انقلاب بهمین، در سیاست خارجی نیز بی شمار "نه شرقی، نه غربی" و توسل به اقدام تا با جرا جویانه، و مفا ملات پشت پرده و زدن و پند های فطمی، مردم ایران را از دوستان واقعی خود دور و کشور را در روابط بین المللی به شدت منزوی نموده و وضعیتی را پدید آوردند که با تکرار عمل در چگونگی برقراری رابطه سیاسی، در دست امپریالیست ها قرار گیرد و منافع ملی میهن مسا در بیستگاه امپریالیست ها، از طریق بر سر قرار مناسبات ا سارت آمیز با آن ها، قربانی شود.

اجلاس سران ۷ کشور امپریالیستی

سران هفت کشور امپریالیستی (آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا و ژاپن)، روزهای آخر خرداد در شهر تورنتو کانادا گرد آمدند تا طبق معمول هر ساله مهم ترین مسائل اقتصادی جهان امپریالیستی را بررسی و درباره آنها تصمیم مشترک اتخاذ کنند.

در اجلاس سران، از جمله مسائلی مهمی که مورد بررسی قرار گرفت، مساله وام های کم رهن که سران جهان سوم بود که هیچگاه از این کشورها تا کنون ظا در به بازپرداخت آن نبوده اند، سران ژاپن، کانادا، باردار و اقصیت فوق، به فکر "چاره" افتادند. بدین صورت که "کک" های خود را به برخی از این کشورها به ویژه کشورهای آفریقائی ادا مده کنند، شروط بر این که آن کشورها شرط ادا دهندگان را بپذیرند. بدین ترتیب کشورهای امپریالیستی خواهند توانست کشورهای جهان سوم را همیشه مدیون خود نگه دارند تا دستا نستان بر اعمال هرگونه مساله ارا مده و مسیسات زورگوشی همچنان با زباید، به علاوه از قبیل همین وام های جدید، بهره وام های گذشته خود را دریافت کنند.

تحلیل روابط با عا دلانه اقتصاد بی سرکوشی های جهان سوم از جانب امپریالیست ها، اختلاف و شکاف سطح زندگی این کشورها با کشورهای امپریالیستی را به میزان زیادی بالا برده است. اغلب این کشورها زیر خط فقر به سر می برند و هر سال ده ها میلیون کودک و بزرگسال بر اثر گرسنگی جان خود را از دست می دهند. سران کشورهای امپریالیستی با نایدید گرفتن و اقصیت های فوق و نیز وجود ده ها میلیون بیگانه در کشورهای خودشان، وضعیت اقتصادی جهان امپریالیستی را "رضایت بخش" ارزیابی کردند که گویا در این سال ها، کم سابقه بوده است.

جهان امپریالیسم که در برابر آلترناتیو نظم نوین اقتصاد از جانب بسیاری از کشورهای جهان سوم قرار گرفته است، با برپا شدنی جهات گوناگون استعما و غارت خلق ها و کشورهای جهان سوم به "نجات" قربانیان خود می خواهد، بیول های پیش را نجات دهد.

تصمیمات اخیر سران کشورهای امپریالیستی، قبل از هر چیزی تا مین گشته منافع غارتگر سران امپریالیست است. نکته دیگری قابل ذکر این که، طبق روال سال های گذشته، سران متزور که دولت ها ایشان مشوق رژیم و گسترش قاچاق هستند، در اجلاس تورنتو برای منازره با تروریسم و "مبارزه با گسترش زمینه های قاچاق مواد مخدر" نیز بیست بیست بررسی برداختند.

کنفرانس سران ...

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به خاطر شنج فریبی، سرور بیست تهدیدها کمیته کشورهای حاشیه خلیج فارس، به خاطر توسعه طلبی و اشغال بخش های خاک عراق، همچنین به دلیل ایجاد شنج و بی جرمی نسبت به ما کن مقدس مسلمانان، محکوم کردند. کنفرانس ادا مده جنگ ایران و عراق را تهدیدی برای حوزه خلیج فارس دانست و اقدامات و تدابیر عربستان سعودی برای جلوگیری از بروز شنج در مساحت سال جاری را مورد تأیید قرار داد.

مصوبات بی سابقه کنفرانس مورد بحث در باره جنگ ایران و عراق و محکوم کردن رژیم ایران به خاطر ادا مده جنگ و ماجراجویی و شنج آفرینی در منطقه، حاکی از آن است که رژیم بی پروای خمینی در میان کشورهای خلق های مسلمان منقلبه که ادا عیسه "مدور انقلاب اسلامی" به آنها وارد، روز به روز منزوی تری شود و بیرومی با رژیم جمهوری اسلامی به حدی بی اعتبار است که نه تلاش های دیپلماتیک

وسیع آن در آستانه اجلاس سران عرب، و نه با چدهی دست و دل با زناش، هیچیک قادرند تعدیل سیاسی در قطعنامه های پایانی کنفرانس پدید آورده. آن را از این انزوای نجات دهد. محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی که مدعی "فتح قدس" است، در کنفرانس که مهم ترین مساله مورد بررسی آن، کک به قیام و مبارزه فلسطینیان بود، به عنوان جنگ آفرروز و توسعه طلب و تضعیف کننده و طغیان زنده به مسازره عا دلانه خلق فلسطین علیه میهنیست ها، قابل تامل است. این امر به خوبی ما هیات است دروغ برده های تبلیغاتی و عوام فریبی های رژیم آخوندها در حمایت از جنبش مقاومت فلسطین، و علیه اسرائیل را، برای مردم میهن ما عبسسان می سازد. چنین افشاکر مرچ و روش سیاسی در کنفرانس سران عرب طبعاً نمی توانست مفا مات رژیم ایران را خشمگین نسازد. بی سبب نیست که رئیس جمهوری رژیم خمینی قطعاً به کنفرانس سران عرب را "شکنج" توصیف کرد تا مذبحها، و تنگ رژیم خود را در جنگ آفرز، زدن و بدبا آمریکا و اسرائیل،

و تضعیف جنبش خلق فلسطین بپوشاند. کنفرانس اخیر سران عرب در آلجیرا و واقع یک پیروزی سیاسی برای جنبش مقاومت فلسطین، سازمان آزادیبخش فلسطین و همه نیروهای صلح دوست و ترقی خواه منطقه و یک شکست بی برای امپریالیسم آمریکا، در جناح منطقه جنگ طلبان و عوام فریبان حاکم بر ایران بود، که سیاست های آنها در منطقه، آب به آسیاب آمریکا می ریست زدن در خدمت اهداف صهیونیستی است.



سیاست‌های نابخردانه و ناملک‌پسندانه رژیم خمینی به‌خاطر حمایت از مالکان و سرمایه‌داران و سرمایه‌داران افراطی، بی‌برنامگی و بی‌کفایتی و اختصاصاً مکانات به‌جنگ، وضعی فلاتک با روغیتر قابل تحمل را به‌دفعه‌ها در زمینکش کشور ما تحمیل کرده است. تولیداتندک دهقانان خودهای، حتی کفاف نیازهای خانوادگی آنها را نمی‌دهد و دست‌ساز زندگی آنان، در جدی با ورنگردنی تنزل کرده است. هر سال بخش مهمی از نیازهای غذایی کشور از خارج وارد می‌شود و تولید اغلب محصولات اساسی کشاورزی از مصرف داخلی به‌مراتب کمتر است.

سیمایی از روستا در جمهوری اسلامی

وپرونده‌سازی برای مردم‌مشغولند. روزنامه‌ها حکومتی کبیان مجبور به اعتراف شده است که: "ما به‌دفعات تا حد آن هستیم که در گوشه و کنار کشورمان عضو ارتش و روستاها به‌قتل رسیده‌اند و به‌وسیله عتار مرعده‌ها مالکان، مورد ضرب و شتم و آزار قرار گرفته‌اند و بی‌تجدید به‌قتل شده‌اند". این‌ها، نمونه‌های کوچکی است که روزنامه‌های حکومتی ده‌گانه مجبور به اعتراف آن می‌شوند تا شاید مسئولان را به‌چاره‌اندیشی برای حفظ رژیم مستبد وادارند. اما وضع در روستاها که کشور به‌مراتب فاجعه‌بارتر از آن است که مطبوعات رژیم انعکاس می‌دهند. همین مختصر نیز بزرگ‌ا دادها و دروغ‌پردازی‌ها، آخوندها، مبنی بر حمايت از "مستضعفان"، خودکفائی کشاورزی و گزارش‌های دیگری که سال‌هاست به زبان می‌رانند، برمی‌دارد.

افزایش تولید، از تامين علوفه و اصلاح نژاد دام، از آموزش شیوه‌های استفاده از سموم کود، خبری نیست. هیچگونه اقدامی در جهت احیا و حفاظت صنایع طبیعی صورت نگرفته و نمی‌گردد. به‌یاد بقیه‌ترین هرج و مرج در تخصیص اعتبارات بانکی و وام به‌کشاورزان به‌ششم می‌خورد. وام‌های حال شده توسط بانک‌های تخصصی به‌طور عمده به مالکان بزرگ، افراد صاحب نفوذ و وابسته حکومت، تعلق می‌گیرد و دهقانان از آن محرومند. صیادان و کارمندان خودرها شده و تا میسر مکانات ضرورتاً راکت و ابزار کار برای صیادان، در خدمت فرستادگان و جنگل‌داری، صنایع تولیدی چوب و کاغذ و صنایع شایه‌ای بخش کشاورزی به‌خوبی رها شده و در حال نابودی است. رژیم به هیچ‌توجه و برنامی برای اعتلای تولید صنایع مورد بحث نداد و نتواند.

واحدی تولیدی مشاع، اغلب روندا زهم‌پاشی و تلاشی را می‌گذرانند. به‌علت عدم تامين نیازهای تولیدی و ابزار کار و گذران نامرغوب ترین زمین‌ها در این واحدها اقتصاد نبوده و دهقانان کشاورز در واحدهای مشاع رها کرده و به‌خیل مهاجرت روستا می‌پوشند.

سیاستی که رژیم خمینی تحت عنوان، "جلبب فعالیت و سرمایه‌گذاری مردم در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن" اعلام داشته و پیش می‌برد، سیاستی است مبتنی بر ارائه تخصیص اعتبارات کلان به زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران افراطی که به‌مرغوب ترین زمین‌ها در اختیار آنها قرار گرفته است. این سیاستی است در حمایت از زمین‌داران بزرگ و ایجاد زمین‌مناب برای چپال و بل‌زهم بیشتر در سطح دهقانان زمینکش.

کمبودهای اساسی در عرصه تولید کشاورزی و بی‌دوامی کند، وضع طوری است که وزیر کشاورزی خمینی در پی این به‌دهقانان در فروردین ماه ۶۷، ضمن عجز و لایه‌وطلب بخشش از آنها، مجبور شد اعتراف کند که در زمین‌ها مین نهادهای کشاورزی و ابزار کار روستاها، به‌وضع نامناسب و کم‌کافی نیازهای تولیدی و غیرتولیدی دهقانان، راکت‌های گوناگون حکومتی فعال در این عرصه، ناموفق بوده‌اند. او افزود این مسائل هنوز مشکلات بزرگ کشاورزی کشور است. این در حالی است که رژیم سال‌هاست اعلام کرده است، که پس از جنگ به اصطلاح بیشترین اولویت را برای کشاورزی قایل است.

در پی شکست‌های تازه ... بقیه از صفحه اول

رژیم بی‌برنامه و بی‌کفایتی رژیم جمهوری اسلامی با ایجاد معطلات و تنگناهای "قانونی" برای دهقانان، با عدم هماهنگی و هرج و مرج در کارها و ارتقاء کشاورزی، برآورد کمبودهای اساسی، چپال‌سازی و زندگی ... اندک انرژی و دسترنج دهقانان را تباہ می‌سازد و به جای کمک به آنها در امر تولید محصول، منگول تراشی می‌کند. وضعی آفریند. همه فعالیت‌های روستاها و ادارات جمهوری اسلامی در روستاها، کشور، مصروف تبلیغ و ترویج جنگ و بیخ‌نیروی برای جبهه‌ها است. به "برکت" جنگ ارتجاعی می‌تواند است که همه مسئله پروژه‌های عمرانی و تحقیقاتی در روستاها تعطیل شده است. تولیدات کشاورزی و صنایع کشاورزی و صنایع دستی که در روستاها، از ترویج و آموزش کشاورزی، از برنامه‌های ترمیم

مقیاس گسترده‌ای از دست داده است. فرار سربازان روزه روزگسترده ترمی شدن گران رژیم را به طوری برانگیخته است. در فاجعه، سرمایه‌های مینایی با شتاب و بدون مقاومت جدی گریختند. بی‌ماندن مقدس‌پرستی و همات دست زده و حتی لوازم شخصی سرمایه‌داران نیز از دست نیندیشی در شلمچه، بی‌انگیزه و روحیه نیروهای نظامی ایران، به‌ویژه پس از شکست غیرمنتظره و ناسی است. اعتراض و مقاومت غیرمنتظره نیروهای مسلح و به‌ویژه سربازان گسترش یافته است. نا فرمانی و سرپیچی از دستورات مقامات مافوق، علی‌الخصوص به هنگام محلات، هر روز بیشتر می‌شود، به‌علاوه نااهم‌های مین نیروهای مختلف (ارتش، سپاه و بسیج) نیز ادامه دارد. برای مقابله با این وضعیت، جلال، جماران، فرمان "طاعت با دگا‌ها" می‌نظم می‌را م‌در کرده است. فرمانی که با دیده دست رفسنجانی جنایتکار با زداشت و شکنجه و تیرباران متحدرین اجرا کرده.

در سربازی از منطبق، به‌ویژه در خراسان، ترمیم حرا و همیادان، اعتیاد مداوم نیز از راه‌های گسترده و ختران و پسران خردسال را نیز در جنبه فلاتک گرفته است. علاوه بر آن، اعتیاد در جنبه‌های جنگ نیز بسیار گسترده می‌گردد.

دست‌اندرکاران رژیم زهمان آغاز و، وعده کرده‌اند که با اعتیاد فداکارانه می‌کنند و به تبلیغات بی‌رونی دست می‌زنند و بکلیت به‌بند و کشتار فرزان به‌راه‌انداختند. این بکلیت به‌بند و تابه‌امروز نیز ادامه داده شده است. با این همه تنها از تعداد معدودی و از جهت اعتیاد دگا شده، بلکه در ایام دوختن گسترش یافته است. خلخالسی جلادگمانی تحت عنوان مبارزه با موادمخدر، گروه گروه، کسانیکه خودگردان رسوایان بزرگ شده بودند، سلاخی می‌کرد، فرار و فرار شده است اعتراف کند که "موادمخدر فاجعه‌ای است که در این مملکت روزه گسترش است". اعترافات این جلاد، اعلام صریح شکست رژیم فاسد دپرو در مبارزه با رواج موادمخدر است.

انتصاب رفسنجانی و تلاش‌های گسترده به منظور بسیج نیروهای سوسیالیست تکرار می‌شود. جنگ و از سوی دیگر نشان تکراری رژیم از شکست‌های احتمالی آینده و فرادای بدون خمینی است. رژیم‌شتابنده می‌کوشد وضعیت از دست رفته، تعرضی خود را با زیا بدویا کسب بکند - دویسروزی روحیه در هم شکسته نیروهای خود را تقویت کند. رژیم برای ادامه جنگ، در موقعیت ضعیفی قرار دارد و هر روز با دشواری‌های بزرگ تری روبرو می‌گردد. شکست‌های سنگین اخیر در جنبه‌ها نشان می‌دهد که رفسنجانی و نهضت‌ها توانایی فقیها را، خیر رفسنجانی و نهضت‌ها توانایی نظامی نمی‌توانند زیرا از تلاقی که در آن فرورفته است، نجات دهند.

البتة آدم‌کشی نظیر خلخال، به‌خوبی می‌اندکند و اردک‌ننده‌ها جلی موادمخدر (برادران مجاهد افغانی) و نیز باندهای با ساداران تحت هدایت مقامات جمهوری اسلامی می‌باشند. از همان آغاز حضور باندهای ضد انقلابی افغانی در مین ما، سران مرتجع آنها با همکاری برادران با سادار خود، چه از طریق پاکستان و چه از طریق افغانستان، با ساداران ایران را برآزمواد مخدر نموده و نیز از ایران به عنوان پلی برای صدور موادمخدر به سایر نقاط جهان، وسیعاً استفاده می‌کنند. البته واردکنندگان عمده موادمخدر، مقامات رژیم را از سوداگرایان به‌نیابت نمی‌گذارد.

بر چنین بستری است که نا رضایتی مردم هر روز گسترده ترمی خود را به‌صورت بی‌ادامه‌آزاده می‌شود. این مبارزه است که ریشه‌های این رژیم را خواهد سوزاند و سرچنگ قطعه‌هایی از خود هگذاشت. با بدرکدام به‌سیم خود، این جنبش را برای دهم‌ویا هروسیله‌ای که در اختیار داریم، این مبارزه را تقویت کنیم. کلیت‌صالح در دست خود مردم است.

علیرغم تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم، مردم به حق، خود رژیم را مسبب اصلی گسترش بی‌بند اعتیاد در جامعه می‌دانند. مردم، می‌بینند که بدون همکاری عوام‌فریبانند که رژیم‌ها سپرو بروری باقی خود به آنها تکیه می‌کنند و آنها را در کارهای خود به کار می‌گیرند. سوداگران بزرگ نمی‌توانند سوداگر مخدرا در بین مردم پیش کنند و به همین دلیل، جمهوری اسلامی را مسبب اصلی گسترش اعتیاد می‌دانند.

فاجعه اعتیاد و عوام‌فریبی‌های رژیم

خبرگزاری رژیم خمینی چندی پیش نتایج نفاذ "دادسرا" یا انقلابی، درباریه اصطلاح مبارزه با موادمخدر را انتشار داد و اعلام کرد که طی سال گذشته ۳۸ تن موادمخدر توسط با ساداران کشف گردیده است. البته آمار فوق تنها بخش کوچکی از میزان مصرف موادمخدر در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. همین آمار رسمی نیز نشان می‌دهد که چگونه در جمهوری اسلامی، بسیاری از مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، به‌کام اعتیاد در غلغلیده‌اند.

در جمهوری اسلامی که کالاهای نظیر برنج، شکر، قند، چای ... به سختی به دست می‌آیند، موادمخدر می‌تواند به‌وفور یافت می‌شود. طی نزدیکی به ده سال تلافیت خمینی، به‌سوازات گسترش فزونی از اکثریت مردم، اعتیاد دنیسه به‌طوری‌سابقه‌ای گسترش یافته است. نگاه به آمار ارائه شده از طرف مقامات ذیربط به‌خوبی حقیقت فوق را ثابت می‌کند:

روزنامه‌های رژیم، نتیجه‌نفاذ "بگان" های مبارزه با موادمخدر "ژاندارمری را از آغاز سال ۵۸ تا او خردسال ۶۱ چنین اعلام کردند: دستگیری ۸۵۹۹ نفر به‌مقامت چاق موادمخدر، کشف و ضبط ۲۶ هزار کیلوگرم، ۱۵۹ کیلوگرم، ۷۲۴۴ کیلوگرم شیش، ۵۴۷ کیلوگرم روغن، ۲۸۵ کیلوگرم قند، حدود شش دهه درشت‌ها و هه‌ا سال ۶۲، برآیسی ۳۸۱۲ نیل، ۳۳۵۵۷، ۳۳۵۵۷، ۳۳۵۵۷، ۱۵۵۵ کیلو، حشیش ۳۸۱۱ کیلو ... بوده است. مقایسه دو نمونه به‌سوازات، نشان می‌دهد که این است که اعتیاد دنیسه بسیار گسترده است، بلکه در عین حال با با بدویا بقیه‌ای بزرگ‌حال گسترش است.

در حال کنون میلیون‌ها تن از هموطنان ما، به‌ویژه جوانان و نوجوانان در دام اعتیاد دگرگفتارند. بیرون‌سپاری از خانواده‌ها در اثر اعتیاد از هم سسته است. آتش بیداری شوره‌ساز شده است که بی‌رحمی‌ها مقامات دولتی و نمایندگان مجلس فراموشی نیز جور به‌اعترا فگشته‌اند. طبق اعتراف نمایندگان

تبلیغات

چگونه پخش کنیم؟

پخش اعلامیه و تراکت، شعار نویسی، نصب شیرنگ، پوستروپلاکا ردا ز جمله اشکال رایج تبلیغ کتبی است که انجام آن برای یک سازمان سیاسی، به ویژه در شرایط شروار و خنثا ق، حاشا همت جدی است. در این شماره در ادا مسلسله مقدمات "در باره تبلیغات" به مسئله "پخش" می پردازیم:

مقدمات

همه آنچه که به عنوان ضوابط کلی ناظر بر امر "تبلیغ" در شماره های گذشته مورد بررسی قرار گرفت، با بدردر تهیه و پخش اوراق تبلیغی به شکل مشخص به کنار بسته شود. هنریک و احذرایی یا هوادار، تماما در این است که قوانین و فرمول های کلی را با برخورد خلافا نهوا بتکارتی، در پرا تنیک مشخص روزمره به کار برنند و این امر بنیان مندان است که اودا حذرایی، شتوری و تجربی سر ایا تمرین و مهارت، بسا تکیه بر خلاقیت ا عفا و با پرهیزا ز لگوبرداری از این یا آن تجربه، بر شرا بسا مشخص خود منطبق سازد.

واحد" یا بدیها، مرپخش به مثا به جزئی از مجموعه فعالیت های تبلیغی، ترویجی و سازمانگرا نه خود بنکر دو هنگا مبرنا مه ریزی عمومی برای یک دوره مثلا شش ماهه فعالیت، جایگاه "پخش" و هدف های آن را دقیقا روشن ساخته، پیوند آن را بسا پروژه فعالیت خود مشخص نماید. بدون این، "پخش" به عملی مجرد، هرا زگای وفا قدهفت و مستغیری بدل خواهد شد. که نتایج بسا رمعدودی به بار می ورد. پخش بپرنا مه اوراق، مرود در این چهار راه، فردا در آن میسندان و پس فردا در فلان محله یا کارخانه، گرهه ممکن است برای یک هفته کوچک و تا زه کار به مثا به تنها شکل ممکن و نیز به مثا به "تمرین" قابل قبول باشد، اما برای یک واحدهی جزئی یا بدیک عمل ابتدایی و کم صرفه تلقی شود.

در هنگا مبرنا مه ریزی عمومی، برای تعیین جایگاه، اهداف، حجم، شیوه ها و اشکال "پخش" یا بدعوامل چندی، از جمله تم ویرنا مه عمل عمومی سازمان، میزان رشد و تکامل ساختاری "واحد" و امکانات آن مورد توجه قرار گیرد. به این عوامل بپردازیم:

هر سازمان انقلابی، بر اساس تحلیل اصلی ترین روندهای جامعه و ترسیم چشم اندازها، محورهای اساسی پرا تنیک خود را برای یک مرحله از جنبش، روشن می سازد. اگر واحدهای حزبی یا هوادار، در برنا مه ریزی فعالیت های خود اوز جمله در کار "پخش" به این محورها ی اساسی بی توجه باشد، مجموعه فعالیت های حزب از حالت متوازن و هماهنگ خارج شده، بیش بردن یک شی واحد، عملا بسا دشواری روبرو می گردد. وقتی که سازمان، مثلا، جامعه را در شرایط بحران انقلابی ارزیابی و قضا کرده ای را در چشم انداز نزدیک ترسیم کند، "پخش" نمی تواند ندیا همان اهداف، حجم، اشکال و شیوه ها صورت گیرد که در شرایط رکود جنبش صورت می گیرد. در حالت اول، "پخش" ضریبی، تهیهی و وسیع عمده می شود در حالت دوم، "پخش" در خدمت "تدارک" قرار گرفته، به صورت محدود، سنجیده و در خدمت سازمان تگری اقدامات اعتراضی توده ها است.

علاوه بر این، بسین عمل "پخش" به وسیله واحدها و فعالیت تبلیغی عمومی سازمان، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به عنوان مثال، وجود یک تیم در جودا دیوبند که پخش تا شیر مشخص برای می گذارد، در شرایطی که رادیو، پخش اوز طریق تبلیغی سازمان را به پیش می برد، پخش وسیع اوراق مربوط به طول موج رادیو و تهیه اوراق ملکی و گرفتن مج مجرم در هنگا م ارتکاب جرم اوقاضی "تروج" آن اهمیت بیشتری نسبت به موا قعی که رادیو جودا در میدهد، پیدا می کند. البته در شرایط فعلی فعالیت رادیو نیز بسا پخش بختی از اوراق تبلیغی عمومی که اهمیت کشوری داشته موا قع سازمان را پرا مانون حوادث سیاسی مهمی به مناسبت های معین به میان مردم می برد، کم امکان اهمیت خود را حفظ می کند و نمی توان ونبا بدپخش اعلامیه های سازمان، مثلا، بسه مناسبت سرکوب آزادها و زندانیان سیاسی، انتخابات، اول ماه مه و سایر تحولات مهم جنگ و حکومت را به صرف آن که از رادیو خوانده می شود، کم اهمیت تلقی کرد.

مطلق کردن شی تبلیغی عمومی سازمان و نادیده گرفتن اوضاع لحظه، بر شربخشی کار "پخش" اثر منفی می گذارد. در دوره رکود جنبش، عمل "پخش" عموما در خدمت کار ریسورانه سیاسی و نشان دادن حضور سازمان، قرار داشته از خصلت تهیهی به مراتب کمتری برخوردار است. اما در همین دوران رکود، لحظاتی پیش می آید که تهیهی از طریق پخش، اهمیت درجه اول به خود می گیرد. به عنوان مثال، وقتی دشمن شربهای به سازمان وادسا خنه، از طریق رسانه های خودیا تبلیغات گسترده می گوشتا شربها بزرگ جلوه دهد، واحدهای حزبی به موازات اتخاذ تدابیر ضرور جهت خنثی کردن نقشه های احتمالی دشمن علیه خود، باید تصمیم بگیرند که بسا فعل کردن واحدهای پخش از طریق ضریبی در مراکز جمعیت، با ارسال با لون بر فرقا زما جمعیت پخش از فرقا زما خنثا ت های بلند، تبلیغات دشمن را خنثی کرده و اعتماد مردم به حضور زنده سازمان را حفظ نماید و اشرایط مناسبی که تبلیغات دشمن پیدا کرده، حداکثرا ستفا ده را برای عمل حضور بیشتر سازمان به عمل آورند.

در نظر گرفتن اوضاع واحد، به لحاظ امنیتی، تدارکاتی و ساختاری در برنا مه ریزی "پخش" اهمیت جدی دارد. ممکن است سازمان در این یا آن لحظه، پخش وسیع و ضریبی را در دستکار واحدها بگذارد، اما واحدهایی به دلیل سبب رذیکیری های پلیسی در وضعیت متکار ا میزی قرار داشته هنوز موفق بسه سازمان ندی یک تیم پخش با تجربه و تدارک امکانات لازم شده باشد، در این حالت بی توجهی به وضعیت واحدها و تلاش برای اجرای فوری رهنمود رهبری، بقای واحدها با مخاطرات جدی مواجه می سازد و لذا عملی نا بخردانه به شمار می رود.

سازماندهی پخش

تیم های پخش، بیش از سایر بر قسمت های یک شبکه حزبی در معرض ضربه دشمن قرار دارند. از این رهروا حدیاد تیم پخش را از سایر بر قسمت های شبکه، به ویژه، از سلول انتشاراتی که ملا جدا کننده ارتباط انتشارات با پخش را از طریق یک بسا دولقه واسطه مینماید، سازماندهی یک تیم ویژه پخش بخصوص ضرورت دارد. پخش یک کار فنی است و به تجربه و مهارت خاصی خود نیازمند است. خطای بزرگی خواهد بود اگر همه اعضای واحدها به کار "پخش" موظف سازیم. زیرا این کار تمام سازمان نگرا ن مستقیم می رات بوده ای، فعلا بسین در بخش های تدارکات و انتشارات و مروجین و سازمانگرا ن تشکیلات را با خطر مواجه می سازیم.

تعداد اعضای یک تیم پخش می تواند بسین دوتا چهار نفر تغییر کند. تیم سه نفره، به مناسبت ترین ترکیب است. اعضای تیم باید از میان رفقای جوان، پرتحرک و خونسرد بزرگزیده شوند. این رفقا با بیدار صورت امکان با بهره گیری از ورزش های ویژه و اشکالی لازم بنفون آن، از تحرک کافی و قدرت مقابله با حوادث پیشینی نشده در هنگا م پخش برخوردار گردند. از این رفقا ش که از سلامت جسمی کافی برخوردار نیستند و یا فاقد تحرک لازم اند، عموما نباید در تیم پخش مشارکت جویند. مگر آن که اودا حذرایی به دلایل مختلف، حضور آن ها را در تیم پخش ضرور تشخیص دهد. تیمی که بسین گونه سازمان می یابد، با بدکار خود را با اقدامات کوچک و محدود و پخش در مناطق کم خطر و دقیقا شناسایی شده آغاز کند و به مرور با کسب تجربه

و مهارت بیشتر، بر حجم کار و محدود عمل خود بیفزاید. عمل پخش زمانی موفق است که با برنا مه ریزی دقیق انجام گیرد. بخشها برنا مه ریزی بر عهده رهبری واحداست. مسئولین واحده، هدف، اشکال و مکان پخش را تعیین می کنند و مثلا روشن می سازند که پخش با بدرد فلان کارخانه، با هدف رساندن رهنمود معین به کارگران اعتصابی، به شکل توزیع مخفیانه اوراق و بسا در بیما ن چهار راه، با هدف اعلام حضور سازمان و شکستن جو روانی، به صورت توزیع علنی و ضریبی اوراق صورت پذیرد. تیم پخش بر اساس رهنمود مسئولین، در اربط با شناسایی محل، چگونگی حمل اوراق، تعداد دبیرستان لازم، وسیله نقلیه، تعداد اوراق، ساعت پخش، مدت پخش، مسیرهای ورود و خروج، توجیه مناسب حرکت و حضور در محل، علامت های سلامتی، ظروف و ظروف خوراکی، برنا مه ریزی و تقسیم کار می کنند و بسین به شناسایی محل می پردازد.

شناسایی محل شامل دو مرحله است، در مرحله نخست که چند روز قبل از پخش صورت می گیرد، محل های استقرار پلیس، ساعات تردد گذشتا انواع و اقسام نقلیه آنها، کوچه های بن بست، خیابان های یک طرفه و... مورد شناسایی قرار می گیرد و نمودن مناسب ترین مسیرها برای ورود و خروج و بهترین وسایل نقلیه برای رساندن اوراق به محل برگزیده می شوند. در مرحله اول شناسایی رهبری واحده می تواند تماما مکانات خود سوجسته، اطلاعات گردآوری شده را در اختیار تیم قرار دهد. تیمها که پخش در محدوده ای را بر عهده دارند، پس از تکمیل دوره فعالیت، به اطلاع کارکنان خود سوجسته، اطلاعات گردآوری شده را در اختیار تیمها با بدیا شناسایی مستمر، اطلاعات خود را در شناسایی آنها فت. این مرحله دوم شناسایی، ساعتی قبل از شروع پخش انجام می گیرد. این مرحله اساسا برای حوادث پیش بینی نشده ضرورت دارد. عزا، عروسی، قتل، درگیری مسلحانه، راه پندار، ودها خادشه مثا به دیگری، حمل اوراق، کفش و لباس مناسب (کفش مطمن و سبک، لباس راحت)، امکانات برای تغییر سریع قیافه (عینک، گسلا، کا پش دورو، ...) و وسیله نقلیه مناسب (موتورسیکلت، دوچرخه، اتومبیل شخصی و...) مهیا می گردد.

در مرحله اول، پخش دوفره، عموما، مناسب ترین نوع پخش است. در پخش دوفره، یک نفر عمل مشخص توزیع اوراق را انجام می دهد و نفر دوم، سا بوظیفه از جمله مراقبت، نگهداری اوراق و رساندن وسیله نقلیه را بر عهده دارد. اگر پخش به صورت جاسانندن اوراق صورت گیرد، در آن صورت ترکیب به نفع مناسب تر است: دوفره که از رجب زدن و نصب اوراق می پردازد و نفر سوم، سا بوظیفه یاد دهنده را بر عهده می گیرد.

در هنگا م پخش، اعضای تیم، با بدین نسبت به هم موقعیتی قرار داشته باشند که برای دیدن یکدیگر به حرکت افا نه نیاز نداشته باشند. مثلا هنگا می که پخش در یک کوچه صورت می گیرد، رفیق مراقب در انتهای کوچه، در یک نقطه کور (جایی که بسه وسیله عابرین قابل رویت نباشد) و یا در نقطه ای که توقف در آنجا، قابل توجیه باشد، مستقر می شود و رفیق دیگر از ابتدای کوچه، روبه سوی رفیق مراقب، کار پخش را آغاز می کند.

در تمام مدت که عمل پخش جریان دارد، دستورات مسئول تیم باید بدون چون و چرا اجرا شود. در صورت بروز حادثه برای یکی از اعضای تیم، رفقای دیگر باید با هوشتاری، اوضاع را بررسی کنند و مقدم بر هر چیز به نجات رفیق خود بپردازند و راه های نجات اویوسا براه افکار پیدا کنند.

پس از پایان کار، مرحله جمع بندی نتایج آن فراموشد. مسئولیت جمع بندی نتایج که جنبه فنی دارد، بر عهده تیم پخش است. هدف از جمع بندی امور فنی، استخراج درسها و توضیح خطاهاست. اما جمع بندی نتایج سیاسی و روانی کار را، بسا بر عهده واحدهای است. اگر واحدهای عمل پخش را به مثا به جزئی از مجموعه فعالیت های خود طراحی کرده باشد، خواهشوا نسبت به تکمیل آن بخش از تشکیلات که در مناقشه انجام پخش، با توجه مردم ارتباط مشخص و زنده دارد، از نتایج کار اطلاع یافته، تا شیرات مثبت و منفی عمل را با پخش به صورت عملی منفرد و نا مرتبط با مجموعه فعالیت های واحد، بسا بسیله یک هسته مستقل و هوادا صورت گرفته باشد، جمع بندی نتایج کار دشواری خواهد بود. واحدهای حزبی برای آنکه از تا شیرات مشخص عمل پخش نیز مطلع گردند و هم برای آنکه افرادی را به عنوان ذخیره تیم پخش تربیت کنند، می تواند نزدیک تیم دوفره را مستقل از تیم پخش، سازماندهی نماید و وظیفه با زسی محنه عمل و گزارش نتایج کار را بپردازد و اگدا رنما یند، از این تیم برای شناسایی مرحله اول نیز می توان کمک گرفت.

اشکال پخش

عمل پخش می تواند در اشکال بسیار متنوعی صورت گیرد. ابتدا بنگار تیم های پخش درگزین اشکال مناسب، شربخشی و کم خطر، بیشترین سپهر ادا می تواند بسینه اعلامیه را با نخی به با لن حاوی کارهای سبک تر اوز اول نمود و در مسیری بسیگارا روشنی قرار داده، با لن در نقطه مناسب به هوا فرستد، به طوریکه در فراتر از سبک جمعیت انبوه، بسیگارنخ را بسوزاند، با لن رها شده و اعلامیه ها پخش شوند. می توان دسته ای اعلامیه را در لوله گزویک توموبیل با رک شده فرو کرد تا بسه محض روشن شدن اتومبیل، اعلامیه ها با فشار دود در هوا پخش شوند. می توان دسته ای تراکت را روی سقف اتوبوس شهری گذاشت تا بسا از حرکت به تدریج در خیابان پخش شود، همین کار را می توان با قاطر، در ایستگاه راه آهن کرد و... این ها همه اشکال ابنگاری پخش است. اما در یک تقسیم بندی کلی، پخش را می توان به سه شکل ضریبی، غیر ضریبی یا مستمر و بسین غیر مستقیم (پستی) تقسیم نمود.

در پخش ضریبی، عامل پخش با یک حرکت سریع، تمام اوراق را در دسترس جمعیت معین قرار می دهد. این کار می تواند بسین دیدن، حرکت یا موتور بسا دوچرخه، با ابنتا رخود در میان یک جمعیت انبوه و یا از یک ایستگاه ثابت - مثلا، پنجره یا با یک ساختمان عمومی و مترف به خیابان شلوغ - صورت پذیرد. مناسب ترین شکل پخش ضریبی، پخش دوفره با موتورسیکلت است. در این حالت تیم دوفره با موتور به محل نزدیک می شود، راننده لحظه ای توقف می کند، نفر دوم، اوراق را در میان جمعیت به هوا می ریزد و لحظه ای بعد، موتور از طریق مسیر شناسایی شده، محل را ترک می کند. در این شکل پخش، موتورسواران، بحین دور شدن از محل، می تواند با استفاده از عینک، کلاه و کا پش دور، تعویض پیراهن، کندن شیرنگ های اضافی، موتور، گذاشتن یا برداشتن خورجین و ترک بند، تغییر حالت آینه ها و... امکان رذیکیری خود را از بسین ببرند.

پخش ضریبی علاوه بر آنکه عمل نیرومند تهیهی است و لذا عمدتا برای شکستن جو روانی، با لابردن روحیه و نشان دادن حضور سازمان صورت می گیرد، می تواند تدبیری را رساندن یک پیام مشخص به مخاطبان معین نیز به کار گرفته شود. مثلا، وقتی کارگران اعتصابی از درکارخانه خارج می شوند، موتورسوار می تواند اوراق حاوی رهنمود واحدهای حزبی به اعضا بسین را به صورت ضریبی در میان آنها پخش نماید. (ادامه دارد)

پیام همبستگی احزاب برادر و سازمانهای ترقیخواه

نامه اعتراضی نمایندگان جوانان جهان

رادیو ایران در روز شنبه ۱۹۸۸/۵/۲۸ به نقل از روزنامه کیهان اعلام کرد که انوشیروان لطفی قهرمان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز جمعه ۱۹۸۸/۵/۲۷ در تهران اعدام شده است.

ما امضا کنندگان زیر علیه جنایت اخیر خمینی اعتراض می‌کنیم و از خواست‌های زیر پشتیبانی می‌کنیم:

— لغو احکام اعدام علیه همه زندانیان سیاسی — آزادی همه زندانیان سیاسی

* نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان (فدرال)
* سازمان جوانان کمونیست شوروی (کومسومول) — استونی

* سازمان جوانان سوسیالیست آلمان دمکراتیک
* جبهه فارابوندومارتی و جبهه دمکراتیک السالوادور

* جوانان جبهه خلق برای آزادی فلسطین
* سازمان جوانان کمونیست سوئد
* اتحادیه جوانان هلند

* سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
* سازمان جوانان سوسیالیست نیکاراگوئه
* سازمان جوانان کنگره ملی آفریقا

* کمیته جوانان لایبر ایرلند
* جوانان اینترستا میا ایتالیا
* سازمان جوانان اتیوپی

* کلکتیو جوانان اسپانیا (م.ل)
* سازمان جوانان کمونیست شیلی
* فدراسیون دانشجویان دمکرات پاکستان

* جوانان دمکرات فلسطین
* اتحادیه دانشجویان اردن
* اتحادیه دانشجویان عراقی

* جوانان انقلابی خلق ترکیه
* اتحادیه جوانان کارگر ترکیه
* اتحادیه جوانان برای آزادی ترکیه

* اتحادیه جوانان پیشرو ترکیه
* اتحادیه جوانان سوسیالیست ترکیه
* مطبوعات جوانان آلمان.

نامه اعتراضی اتحادیه ضدفاشیستی آلمان

ما از این اقدام فدیشری شدیداً منزعجیم. ما بعنوان یک سازمان، ضدفاشیستی که به مسایل قربانیان دهنمنفی هیتلری می‌پردازیم و میراث آنان را پاس می‌دارد، از دولت کشور شما می‌خواهیم:

به شکنجه و اعدام‌ها در زندان‌ها پایان دهید و زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

حقوق بشر که پس از پیروزی بر دیکتاتوری هیتلر در سراسر جهان اعتبار یافته باید در ایران نیز رعایت شود.

ما انتظار داریم و امیدواریم ایمن سخنان گوش شنوا داشته باشد.

روزنامه پرچم سرخ

حزب کمونیست بلژیک در شماره ۹ ژوئن "پرچم سرخ" ارگان حزبه در مقاله‌ای چنین نوشته است:

یک هفته است که انوشیروان لطفی از مسئولین و رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تهران اعدام شده است.

پس از پنج سال شکنجه‌های روحی و جسمی در زندان خمینی، فشارهای بین‌المللی این حکم را به تاخیر نیاورد.

اکنون پشتیبانی بین‌المللی از زندانیان سیاسی ایران به ضرورتی عاجل بدل گشته است.

روزنامه وارهایت

در شماره اول ژوئن نشریه "وارهایت" ارگان حزب سوسیالیست متحده برین غربی پیرامون بسته شهادت رسیدن رفیق لطفی آمده است:

لطفی، مظهر مقاومت علیه رژیم شاه و خمینی، عضو رهبری فدائیان خلق بود و از پنج سال پیش زندانی بود. ناظران در قتل لطفی آغاز موج جدیدی از اعدام‌ها در ایران را پیش‌بینی می‌کنند.

جان هزاران اسیر در سیاه‌چال‌های ایران در معرض خطر جدی است.

از پیام حزب کمونیست ترکیه

رفقای عزیز!

ما اعدام رفیق انوشیروان لطفی را توسط رژیم جنایتکار خمینی شدیداً محکوم می‌نماییم. رفیق لطفی یک سمبل مقاومت و مبارزه در راه آزادی و دمکراسی بود. خلق ما و حزب ما این رفیق را به خاطر شخصیت برجسته‌اش می‌شناخت، وی در قلوب ما جای برجسته‌ای دارد.

آنها قادر نخواهند بود در مقابل مبارزه مردم و کمونیست‌های ایرانی مقاومت نمایند... ما یک بار دیگر حمایت نیروهای دمکراتیک و مترقی کشور ما را در حزب کمونیست ترکیه را از سازمان شما اعلام می‌داریم.

از پیام حزب کمونیست پاکستان

... حزب کمونیست پاکستان و خلق‌های زحمتکش پاکستانی، مراتب تسلیت خود را به مناسبت شهادت رفیق انوشیروان لطفی، عضو و رهبر، س. کم، به شما و همه خلق‌های زحمتکش ایران تبریک می‌دارند و صدای اعتراض خود را یکجا با تمام خلق‌های صلح‌دوست و عدالت‌خواه بلند می‌کنند تا به قتل عام مبارزان صدیق که مدافع منافع مردم ایران می‌باشند، خاتمه بخشد و زندانیان سیاسی را رها سازد و آزادی‌های دمکراتیک و بشری مردم ایران را احیا کند.

از بنیانه مطبوعاتی

حزب کمونیست هندوستان

دبیرخانه مرکزی حزب کمونیست هندوستان در برابر رفیق انوشیروان لطفی فرزند برجسته خلق ایران، انقلابی دلیر، و رهبر والای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سر تعظیم فرود می‌آورد.

رفیق لطفی به خاطر نقش دلآورانه‌اش در دفاع از دستاوردهای انقلاب فدا میریالیستی — مصلحتی و خلق ایران توسط رژیم خمینی اعدام گردید، آنها او را زندانی کردند و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند تا روحیه‌اش را بشکنند و سرانجام او را اعدام نمودند. رفیق لطفی به خاطر این که در راه پیشرفت انقلاب می‌رزید به شهادت رسید.

از بنیانه مطبوعاتی

حزب کمونیست هندوستان (ما رکسیست)

هیات سیاسی حزب کمونیست هندوستان (ما رکسیست) مراتب خشم و نفرت عمیق خود را از رژیم خمینی به خاطر اعدام رفیق انوشیروان لطفی رهبر برجسته سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در زندان را اعلام می‌دارد.

حزب کمونیست هندوستان (ما رکسیست) دولت هندوستان، سازمان ملل متحد و افکار عمومی جهان را فرامی‌خواند که با فشار به رژیم ایران باعث شوند که این رژیم حداقل حقوق بشر را در مورد زندانیان سیاسی ایران مراعات کند.

از نامه کنفدراسیون عمومی کار (ث. ژ. ت.) بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه به سفیر جمهوری اسلامی در فرانسه

آقای سفیر، بدینوسیله از شما می‌خواهیم که انزجار برانگیخته شده در بین کارگران فرانسه از اعدام‌های جدیدی که در مورد دگراندیشان در زندان‌ها صورت گرفته است را فوراً به دولت خود اعلام نمایید.

همچنین ث. ژ. ت. اعدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کند.

ث. ژ. ت. از دولت شما می‌خواهد که خود را با قوانین بین‌المللی درباره احترام به حقوق بشر تطبیق دهد و احترام به مقام انسان را رعایت نماید.

قطع فوری شکنجه و بدرفتاری‌های غیرقابل توصیفی که زندانیان سیاسی در کشور شما قربانی آنها هستند و همچنین آزادی بی‌درنگ همه مخالفین دیکتاتوری خون آشام که به مردم ایران تحمیل شده است، خواست ما است....

اعدام رفیق انوشیروان لطفی نفرت جهانی علیه رژیم فقها را گسترش بیشتری داد. احزاب و سازمان‌های دمکرات و ترقیخواه، اتحادیه‌های کارگری و ده‌ها شخصیت آزادیخواه در سرتاسر جهان با ارسال پیام‌های همبستگی برای سازمان و نامه‌های اعتراضی به مقامات رژیم خمینی به این عمل جنایتکارانه اعتراض نمودند. برخی از این پیام‌ها عبارتند از:

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران جنایت هولناک جدید رژیم ج.ا.ا، عضو سازمان رفیق قهرمان، انوشیروان لطفی، عضو و رهبر هیات سیاسی سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، را با خشم و نفرت محکوم می‌کند.

رفیق انوشیروان لطفی، که در شکنجه‌گاه‌های "ساواک" نیز از سابقه مقاومت دلیرانه برخوردار بود و با انقلاب از زندان شاه رها شد، یافت، پس از پنج سال شکنجه در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی روز پنجشنبه پنجم خرداد ماه تبریک را شد.

رژیم خون آشام، که پایه‌های قدرت خود را بر زندان شکنجه و اعدام بهترین فرزندان خلق بنا نهاده است، به عیب می‌کوشد، تا با ریختن خون پرجمدان خلق، فدائی و توده‌های و دیگر مردمندگان را راه آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، باطنیان توفان زای ناراضی خلق از رژیم استبداد قرون وسطائی ولایت فقیه مقله کند. این خون‌های پاک حکم قاطع حکومت رژیم رویه زوال ولایت فقیه است. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نام همه اعضا و هواداران حزب، در برابر این جنایت وحشیانه، همسردی عمیق خود را با رفقای کمیته مرکزی و اعضا و هواداران سازمان برادر و بستگان رفیق شهید ابرازی می‌دارد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی

حزب توده ایران

خرداد ماه ۶۷

از پیام کمیته مرکزی

حزب دمکراتیک خلق افغانستان

... ما معتقد هستیم که سرکوب، شکنجه و اعدام نیروهای انقلابی و طرفداران صلح و آزادی در ایران عمل فداکارانه و فدیشری بوده و خشم و انزجار بیشتر از پیش خلق ستمدیده ایران را برمی‌انگیزد. حزب دمکراتیک خلق افغانستان در کنار همه نیروهای انقلابی و وطن پرستان ایران، اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم نموده و صدای اعتراض خویش را به رژیم ایران و به خاطر نجات زندانیان سیاسی در آن کشور بلند می‌نماید.

از پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

... اعدام جوانان مردمان رفیق مبارزان، انوشیروان لطفی، عضو و رهبر هیات سیاسی سازمان برادر، و فرزند دلیر و وفادار خلق ایران، نمونه عمیقی در مبارزه با جنایت و وحشتناک را محکوم می‌نماییم.

و در این مناسبت، بار دیگر، همبستگی خود را با جنبش کمونیستی و سایر نیروهای مترقی و میهنی ایران و با همه رزمندگان مردم زحمتکش ایران، در راه آزادی و نجات جان زندانیان سیاسی و تحقق سایر آرمان‌های وای خلق ایران، ابراز می‌نماییم.

حزب کمونیست شیلی

خلق شیلی علاقه مند است تا از طریق حزبش حزب کمونیست شیلی، بهترین دروهای رزمندگان همبستگی خود را به تمام زندانیان سیاسی ایران اعلام کند و بر قصد بازگشت نا پذیر خود در جهت ادامه مبارزه علیه حقوق پایمال شده خلق‌های تحت ستم امپریالیسم مجدد تاکید نماید. خلق‌های متحد ایران و شیلی هرگز شکست نخواهند خورد.

فریاد اعتراض ایرانیان در سراسر جهان

ایرانیان آزادخواه در سرتاسر جهان به اشکال متنوع نفرت خود را از اعدام فرزند دلیر مردم ایران نوشیروان لطفی اعلام کردند. این اعتراضات در نشریات و خبرگزاری‌های کشورهای مختلف انعکاس یافت و نفرت جهانیان را از جنایات سنگین رژیم موجب شد.

در روز ۱۷ خرداد در شهر کلن در آلمان فدرال گروهی از هواداران سازمان و دیگر ایرانیان مقیم این شهر در اعتراض به اعدام رفیق لطفی و حمایت از زندانیان سیاسی ایران به اعتصاب غذای سه‌روزه مبادرت کردند. این اعتصاب مورد حمایت سازمان‌ها و احزاب مترقی این کشور قرار گرفت و وسیعاً در نشریات و خبرگزاری‌ها انعکاس یافت. در شهر برلین آلمان فدرال در روز ۲۰ خرداد در برابر سفارت جمهوری اسلامی تظاهرات انجام شد. در انگلستان نیز در همین روز در اعتراض به جنایات رژیم تظاهراتی در برابر سفارت ایران در انگلستان صورت پذیرفت. در روز ۲۷ خرداد در کشور سوئد هواداران سازمان در شهر استکهلم به مدت سه‌روز به منظور نشان دادن انزجار خود از اعدام رفیق لطفی اعتصاب غذا نمودند. در پاریس هم برای بزرگداشت رفیق و محکومیت رژیم خمینی مراسمی در روز ۲۰ خرداد برگزار گردید. در دانمارک بلژیک و اطریش نیز هواداران سازمان و ایرانیان آزادخواه مقیم این کشورها به تظاهرات اعتراضی مبادرت نمودند.

اعتراضات وسیع ایرانیان از کشور در افشای رژیم خمینی و جلب حمایت از مبارزات زندانیان سیاسی و مردم ایران مورد حمایت افکار عمومی این کشورها و همه آزادی‌خواهان جهان قرار گرفت.

بگذار تا سپیده برآید

قطعه‌ای از شعر "در بند بپلوی" سروده شاعر انقلابی، رفیق شهید، سعیدسلطانپور، عضو سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، را در مورد آزاده‌ای که قلب عاشق و جان شعله‌ورش به راه خلق در خون تبید، "بدری" که بر خاک نما ندواز "قلب خاک" بالید و شگفت. یا دش‌گرمی باد.

... بگذار تا سپیده برآید

بگذار با سپیده ببیند

پشت مرا به تیر

بگذار تا برآید "آتش"

بگذار تا ستاره شلیک

دیوانه‌وار بگردد ز کهکشان خون

خون شعله‌ور شود

بگذار باغ خون

بر خاک تیرباران

پرپر شود

بگذار ریزد "تیر"

چون جنگلی برآید در آفتاب خون

فریاد گرشود

این بذرها به خاک نمی‌ماند

از قلب خاک می‌شکند چون برق

روی فلات می‌گذرد چون رعد...

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

اعتراض سازمان عفو بین‌الملل

عفو بین‌الملل با ردیگر رژیم خمینی را به خاطر نقض حن حقوق بشر، لگدمال کردن ابتدائی ترین موازین شناخته شده حقوق مدنی و اعدام مجساران راه‌صالح و آزادی محکوم‌کرد، در اطلاعیه این سازمان رسمی حقوق بشر که در لندن انتشار یافت، از اعدام خمینی، روزمنده‌ها، مدار صلح و آزادی، رفیسسق نوشیروان لطفی، و مبارزان خلق حجت محمودپور، عضو "اتحادیه کمونیست‌های ایران" و حجت‌الله محبوبی، عضو "سازمان مجاهدین خلق ایران" عمیقاً ابراز ناسف شده است.

عفو بین‌الملل در اطلاعیه خود تصریح نمود که علاوه بر اعدام‌های اعلام‌شده، هر ساله مبارزان زیادی به دست رژیم در خیمان، کام‌پیرا، ایران، مخفیانه به شهادت می‌رسند. در اطلاعیه، از اعضای این سازمان‌ها خواسته شده است که نسبت به جنایات رژیم خمینی اعتراضات کنند.

عفو بین‌الملل، همچنین دستگیری شش تن از اعضای "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" را محکوم نموده، آزادی قوی آسمان را خواستار شده است. عفو بین‌الملل علت اسیستن دستگیری‌ها را مخالفت جمعیت مذکور با سیاست جنگ طلبانه رژیم‌ها دانسته است.

این اولین بار نیست که رژیم‌ها را محکوم می‌شود. هیچ رژیم دیگری همانند رژیم قرون وسطائی "ولایت فقیه" به این شکل، به دست‌های متعدد و در قیومل زمان کوتاهی آزادی سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی حقوق بشر

در راه عادی کردن اوضاع آنگولا

حل مسالمت‌آمیز درگیری در جنوب آفریقا، هدف مذاکرات چهار جانبه‌ای بود که در نیمه اول اردیبهشت ماه، بین آنگولا و کوبا از یک سو و آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر در لندن برگزار شد. مذاکرات آفریقای جنوبی و امیرالایسم‌درا مورد اخلی آنگولا، بلافصله پس از استقلال این کشور (۱۹۷۴)، سابقیت گروه‌بندی‌های مخالف رژیم، و نیتا و فلتا، آغاز شد. جبهه‌ها و نیتا، همچنان با کمک‌های مالی و نظامی هنگفت امیرالایسم آمریکا و آفریقای جنوبی در بخش‌های جنوبی آنگولا، به فعالیت خود علیه دولت آنگولا ادامه می‌دهد. این جریان ارتجاعی در سال‌های اخیر فعالیت خود را با کمک فزاینده‌ها می‌نشد، تقویت کرده است. اما "فلتا" از ستنظامی با دولت دست کشیده و جبهه‌ها معاند آنگولا شده است.

در برابر ارتجاع و زگری نیروهای مرتجع، از چند سال پیش، انترناسیونالیست‌های نا و طلسم کوبا با کمک مردم آنگولا شتند، در نتیجه این همستگی فعال و انقلابی، پیشروی متجاوزین وابسته به امیرالایسم در این کشور، تا کنون شکست خورده است. ولی جریان زندگی عادی در بسیاری از مناطق کشور، همچنان در اثر توجرات و جنایات رژیم‌ها در برت، همواره با دست‌ها شتندگس. نیتا و نیتا شت حملات هوائی به مناطق جنوب آنگولا، دچار اشکال است. اما ممدرگیری‌ها و جنگ‌ها خلسه تا شیرات زیانباری در روندبازاری کشوردر سال‌های پس از انقلاب داشته است.

رهبران آنگولا کوبا که از مدت‌ها قبل، پیشنها د خروج تدریجی و کامل کوا طلبان کوبا شت را در جهت حل مناقشه مطرح کرده بودند، مبتکران اصلی برگزاری کنفرانس لندن می‌شند. اما زمینه‌برگسزاری مذاکرات در گفتگوهای رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در مورد حل مسالمت‌آمیز درگیری‌های منطقه‌ای مهیا شده است.

هیات‌های نمایندگی آنگولا و کوبا در مذاکرات اخیر لندن در پی توافق بوده‌اند که اعطای استقلال به آفریقای جنوب غربی (نا می‌ی) براساس قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل و نیز قطع مذاخه‌ها مورد اخلی آنگولا را تضمین کند.

"خورج‌زیست"، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کوبا و رئیس هیات نمایندگی کوبا، در مذاکرات لندن، اعلام کرده است که ما موریت نیروهای ما را و طلب کوبا شت در آنگولا، تضمین استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت این کشور است. هرگاه این هدف‌ها تا مین شود، انترناسیونالیست‌های کوبا شت، به مین با زخوا هندگشت.

از سوی دیگر، دستیار روزیرا مورخا رجا آمریکا، در امور آفریقا، ضمن تا کید بر "ابتکار نیتا" که دیپلماتیک، اعلام داشت: "مناسبات آمریکایی و

محکوم‌شده است. این امر نه‌برای مردم مین‌ها که در چندین فقره گرفتار آمده‌اند، نه برای بشریت ترقی‌خواه که هر روزها هدرسکوب و جنایت‌ها هرگونه نندای صلح‌طلبی و مبارزات ملی و مترقی مردم ایران به نا بودشدن تمام‌میراث ملی و مترقی مردم ایران به دست ارتجاع قرون وسطائی را مشاهده می‌کنند، نا منتظر شگفت‌آور نیست.

رژیم‌چنان بیکار رخمینی، همواره کوشیده است که محکومیت‌های مکرر و در پی خود را با تبلیغات عوام‌فریبانه و به اصطلاح "فدا میریالیستی" توجیه کند. اما بر ملا شدن زدوبندهای فذملی آخوندهایی حا کما امیرالیست‌ها، حنا عوام‌فریبی‌های "ندامیرالیستی" رژیم ارتجاعی رنگ کرد و برای توده‌های مردم مین‌ها بیش از پیش روشن شد که اعدا مدمیرا نا شت نظیرا نوشیروان لطفی که بیست سال عمر مبارزاتی و تمام هستی خود را در پیشگاه امیرالیسم و برای صلح و آزادی، نیتا، داده‌اند، به‌سبب هیچ‌گونه عوام‌فریبی "فدا میریالیستی" قابل تسل توجیه نیست. این جنایت سیاسی، قبل از هر چیز، بی‌مترکاتی سران رژیم را از آینده خود، منعکس می‌کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن قدردانی عمیق از همه‌سا زمان‌ها و مجامع بین‌المللی، احزاب و شخصیت‌های صلح‌دوست و مترقی جهان که اعدا م رفیق کبیرا نوشیروان لطفی، عضو مشا و رهبر هیات سیاسی سازمان، به دست رژیم جنگ طلب و آزادی کشی مین‌ها را محکوم نموده‌اند، از همه‌آنها طلب می‌نماید که به مساعدت و پشتیبانی از بیکار مردم ایران برای رها شت از سلطه رژیم قرون وسطائی "ولایت فقیه" و استقرار صلح و آزادی در پیش‌ان بیا فزاینده‌تر و منور را محکوم نموده‌اند، از پیش‌ان رژیم شپکارا و ضدبشری، در افکار عمومی جهانی، به سبب نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه ایران یاری رسانند.

"اونیتا"، در مذاکرات چهار جانبه، جای بحث ندارد. ما قصد نداریم روابط خود با اونیتا را قطع کنیم". قابل توجه است که در رابطه با مسئله افغانستان نیز چند روز پیش، سخنگوی کاخ سفید اعلام داشت که روابط با دولت افغانستان را قطع نیروهای مسلح مخالف دولت افغانستان را قطع نموده‌اند. اما مخواه داد. اما فاه کرد که اونیتا نیروی قابل توجهی دارد و رهبران آنگولا با یاد خود، با این جریان به توافق برسد.

امریکا باید این ترتیب تلاش را رد، هویتی فانونی و مستقل برای جبهه "اونیتا" دست و پا کند، در حالی که آنگولا، به بنا و نیتا، بلک مستقیم، رژیم آفریقای جنوبی و دولت ایالات متحده را در برابر خود می‌بندد.

موضع رژیم‌ها در برت آفریقای جنوبی، در این میان آشکارا، مفا بر قیومل بین‌المللی و سبب خودی خود، محکوم است. رژیم آفریقای جنوبی با استقلال "نامی می‌ی" موافق نیست و عملاً قیومست خود را - که در سال ۱۹۴۶ توسط سازمان ملل متحد لئوشد - همچنان بر این سرزمین ادامه می‌دهد.

دلیل این امر، وجود نیروی طبیعی عظیم، به ویژه اورانیوم، لاس و مس و نیز به خاطر کنترل یکی از مهم‌ترین فرودگاه‌های آفریقای جنوبی و بالاخره موقعیت استراتژیک آن است. سازمان ملل متحد از مدت‌ها پیش، سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوا) را به عنوان تنها نهاد آینده فانونی مردم "نامی می‌ی" به رسمیت شناخت، اما نوازادیرستان آفریقای جنوبی با علم به این که در صورت برگزاری انتخابات، طرف برنده نخواهند بود، در سال ۱۹۸۵، حکومت دست‌نشانده‌ای در آن سرزمین به‌کبار

گما شتند تا سلطه خود را بر جنوب آفریقا حفظ کنند. سران آفریقای جنوبی این خیال را دور سر می‌پروراندند که به کمک مزدوران خود، حداقل بسر جنوب آنگولا، تسلط داشته باشند.

رهبران آنگولا، با سیاست خارجی فصال، بیکبارانه در جستجوی راه‌های قطع جنگ و عادی سازی اوضاع هستند. بس از ملاقات لندن، نیتا بندگس آنگولا و آفریقای جنوبی روز ۲۳ اردیبهشت در پایتخت کنگو (برازا ویل) در همین رابطه گفتگو پیدا کردند. مذاکرات چهار جانبه (آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی، آمریکا) نیز به زودی مجدداً و این بار در یکی از پایتخت‌های آفریقای از سر گرفته خواهد شد.

شش در جنوب آفریقا، از جمله درگیری‌های منطقه‌ای جهان امروز است که حل هر یک از آن‌ها، منطقاً، به حل مناقشه درگیر منطقه (وبه‌نوبه خود، با تحریف تشوچ در سطح جهان) کمک می‌کند. امروز، به ابتکار رهبرانی صلح‌دوست جهان و پیش از همه، اتحاد شوروی، تلاش‌های مهمی در این راه صورت گرفته است و ما میدواری نسبت به حل اصولی این مناقشات را تقویت کرده است. تمام هستی‌های دیپلماتیک اخیر برپا موند مسائل جنوب آفریقا، نیز بخشی از این تلاش‌های سراسری محسوب می‌شود.

کنفرانس سران عرب ، تحولات اوضاع خاور میانه

سازمان آزادیبخش فلسطین (س.ا.ف) از زمان جدت صفوف خویش در هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین که سال پیش در الجزیره برپا شد تا کنون گام‌های مهمی در جهت مبارزه خلق فلسطین به پیش برداشته است. وحدت سازمان‌های املی فلسطینی سبب شده است که "س.ا.ف" طی این مدت قادر شود یک فرماندهی مشترک سیاسی - نظامی، متشکل از همه گروه‌های عضو خود، در فلسطین ایجاد کند و جبهه خویش را در این کشور، علیه صهیونیست‌ها مستحکم سازد. این امر همچنین زمینه ساز آن بوده است که "س.ا.ف" با قدرت بیشتری در جهت سازماندهی مبارزه توده‌ای و "تحقق اهداف خلق فلسطین در سرزمین‌های اشغالی مبارزه نماید، و نقش قابل ملاحظه‌ای در تدوین و تقیید فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی ایفا کند. سازمان آزادیبخش فلسطین با همکاری دولت‌ها و نیروهای مترقی در منطقه عربی، توانسته است ضرورت حل و فصل عاجل مسئله فلسطین را یکبار دیگر به طور وسیع طرح و اتحاد و اتفاق نظر، پیش از پیش در جهان عرب، بهیچا من خواست‌های به حق خود پدید آورد.

وحدت صفوف "س.ا.ف"، تلاش‌های نسبتاً موفق آن در پی بردن رابطه با سوریه و نیروهای ملی و مترقی لبنانی، که حمایت و وساطت حکومت‌ها و نیروهای مترقی در جهان عرب و دوستان بین‌المللی فلسطینیان را پیش رفته است، سمت و سوی تغییرات و تحول اوضاع در جهان عرب را به نفع جنبش مقاومت فلسطین تغییر داده است. اکنون اوضاع سیاسی نسبت به زمان برگزاری اجلاس قبلی سران عرب در "امان" در اوایل خرداد ۱۹۸۷ به نفع نیروهای ملی و مترقی در منطقه تغییر یافته است. این امر به نوبه خود، باعث شده است که طرف‌های امریکایی حل و فصل مسئله فلسطین تا کاملاً نتواند، خواست‌های به حق فلسطینیان در اجلاس اخیر سران عرب در الجزیره مورد تأیید و تصویب کشورهای عربی عضو جامعه عرب قرار گیرد و "س.ا.ف" به یک پیروزی مهم سیاسی در شرایط حساس کنونی دست یابد.

کنفرانس قبلی سران عرب در "امان" در اوایل خرداد ۱۹۸۷، در اوضاع و احوال ویژه‌ای برپا گردید. این کنفرانس در اوج تنش‌ها و اوج مبارزه‌های رژیم خبیث در خلیج فارس و حضور گسترده و دخالت مستقیم امریکاییسم و متحدان ناتوئی آن در این منطقه تشکیل شد.

امریکا می‌خواست و می‌خواهد با حضور نظامی وسیع و دائمی در خلیج فارس، موقعیت خود را در منطقه‌های وابسته به خود در منطقه تحکیم کند، جلوی رشد جنبش‌های ملی و مترقی در این کشورها را بگیرد و با ایجاد بلوک بندی‌های جدید، نظامی و امنیتی به استراتژی بهین‌بست رسیده است. متحدین عربی در منطقه و در رابطه با جنبش مقاومت فلسطین، به عنوان مهم‌ترین واحدترین مساله خاور میانه که سال‌ها بر مسائل منطقه عربی به سه آن مربوط است، سوریه، لبنان و یمن، به شدت مصلحت‌اندیشانه عمل را در دست گیرد.

شکست طرح کمپ دیویدیه و انزوا کشیده شدن رژیم مصر در جهان عرب، بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های مذبح‌ها در امریکا و اسرائیل در لبنان در سال ۱۹۸۲ و بعد از آن عدم موفقیت طرح‌های تکمیلی کمپ دیویدیه که از سال ۱۹۸۳ به بعد از جانب امریکا و رژیم‌های اردن و مصر برای پیش‌بردن تلاش‌ها شده است، همگی باعث آن بوده است که فلسطینیان در اوضاع جدید ناشی از جنگ ایران و عراق، که زمینه ساز ایجاد دفع بندی‌های دیگری در جهان عرب گردیده است، تلاش‌های مجددی برای متشکل شدن و متحدین عرب خود دست‌دهی به تحولات در منطقه عربی خاور میانه سازمان دهد.

تلاش حکومت‌های مترقی عرب برای آن که مسئله فلسطین در کنفرانس "امان" درحاشیه قرار گیرد و همه وقت و کار کنفرانس تنها به بررسی جنگ ایران و عراق خلاصه شود، با خواست امریکا در این باره تطبیق داشت.

در آن کنفرانس نیروهای مترقی و حکومت‌های ملی عرب، بدون هماهنگی و اتفاق نظر و اما دگسی که ای شرکت کردند و گرداندگان اصلی کنفرانس، حکومت‌های ارتجاعی عرب بودند. تفرقه بیندیشی و هماهنگی کشورهای مترقی عرب و وجود اختلاف میان سوریه و "س.ا.ف" از عواملی بود که امکان مناسب برای مانور حکومت‌های ارتجاعی و عسکران را فراهم ساخت.

در قطعه‌های کنفرانس قبلی سران عرب در "امان"، اختلاف نظر پیرامون مسائل جنبش مقاومت فلسطین به عیان آشکار شد و مواضع رسمی اعلام شده با اهداف و برننامه‌ها و خواست سازمان آزادیبخش فلسطین، تفاوت داشت. کنفرانس مورد بحث، تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی، غرب رود اردن و نوار غزه، و شرکت مستقل "س.ا.ف" در

کنفرانس بین‌المللی ملحد در خاور میانه به صورت متساوی الحاقی با سایر طرف‌های درگیر را مسکوت گذارد. مواضع رسمی اعلام شده در قطعه‌ها، بیشتر با طرح‌های ملک نزدیک بود و فدرالیسم، اردنی - فلسطینی را مدنظر داشت. به علاوه کنفرانس به طور تلویحی دعوت کویت از امریکا برای حفاظت از کشتی‌های آن کشور در نتیجه حضور امریکا در خلیج فارس را مورد تأیید قرار داد.

بسیار کنفرانس سران عرب در "امان"، سیاستمداران امریکایی موقعیت را برای بی‌کسبی تلاش‌های خود در شکلی متناسب با شرایط جدید منطقه، مناسب دیدند. شولتز، وزیر خارجه امریکا فعالیت‌های جدیدی را برای پیشبرد طرح معسرف خود آغاز کرد. در طرح شولتز، امریکا با توجه به مساله اوضاع منطقه و جهان و مواضع اتحاد شوروی که سابقاً بر ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای حل و فصل مسئله فلسطین و با حضور مستقل "س.ا.ف" به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین بپای می‌نهاد، مواضع مشابه اکثر کشورهای عربی در این باره، به طور رسمی تشکیل اجلاس بین‌المللی را پذیرفت. بدین ترتیب امریکا مجبور شد تا یکی از عناصر مهم طرح کمپ دیویدیه که تنها بر راه حل‌های جداگانه بین اسرائیل و تک‌تک کشورهای عربی خط مقدم تا کنون است، فست بردارد. اما سرعنا طرح شولتز با طرح‌های قبلی امریکا و ملک حسین تفاوتی نداشت. در این طرح مجدداً بر عدم پذیرش تشکیل دولت مستقل فلسطین در سرزمین‌های اشغالی و بر ایجاد فدراسیون اردنی - فلسطینی، عدم پذیرش آن سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین و شرکت مستقل و برابری آن با سایر طرف‌های درگیر در کنفرانس بین‌المللی، تأکید شد. طبعی بود که جنبش‌های عربی نمی‌توانست با موافقت "س.ا.ف" و دولت‌های ملی عرب مواج نشود. به خصوص این با شولتز مجبور بود سوریه را نیز به عنوان مهم‌ترین کشور خط مقدم و درگیر با اسرائیل به مذاکره دربار مطرح خود قرار دهد. زیرا مذاکره با رهبران سوریه و جلب توافق آنها، برای پیشبرد طرحی دربار مسائل اعراب و اسرائیل ضروری و حتمی است.

سراشما تلاش‌های شولتز، نتایج مورد نظر امریکا را به بار نیاورد و طرح امریکایی که هدف آن ایجاد دفتر میان کشورهای عربی از یک طرف و منفرد نمودن "س.ا.ف" از طرف دیگر بود، موفقیت چندانی کسب نکرد.

یکی از مهم‌ترین عواملی که طرح شولتز را تنها کنونی ناموفق ساخته است، تلاش همه جانبه دولت‌ها و کشورهای مترقی عربی سازمان آزادیبخش فلسطین برای ایجاد اتحاد دگم و وحدت نظر در باره مسئله فلسطین در میان خودشان بوده است. تلاش‌های حکومت الجزایر و "س.ا.ف" زمینه را برای نزدیک شدن "س.ا.ف" و سوریه فراهم نمود و منجر به دیدار طرفین باسد طی ماه‌های اخیر و کاهش اختلافات طرفین گردید. از طرف دیگر با سلطت حکومت‌ها و نیروهای ملی و مترقی لبنان و "س.ا.ف" پیوند یافت و مشکلات ایجاد شده در لبنان برای سازمان آزادیبخش فلسطین و درگیری‌های امل - فلسطینیان تخفیف و خاشه پیدا کرد. نزدیک شدن سوریه، "س.ا.ف" و نیروهای ملی و مترقی لبنان که دارای اهمیت استراتژیک در تحولات منطقه عربی خاور میانه است، کشورهای مترقی عرب را نزدیک تر نمود و اختلاف نظر آنها را کاهش داد. این امر زمینه‌ساز جذب بعضی از حکومت‌های کشورهای عربی را فراهم نمود. حکومت‌های که از جانب اردن آشکارا امریکا، به نفع آنان نیست و از آوازه مسائل قومی و ملی نسبت به جنبش فلسطین از خود حواس پرت شده و راه‌حلهای عربی برای حل و فصل مسائل اعراب و اسرائیل را ترجیح می‌دهند.

فعالیت گسترده و متحد "س.ا.ف" و حمایت حکومت‌های ملی عرب از آن، سبب گردید تا سازمان آزادیبخش فلسطین نقش ارزشمندی در سازماندهی و گسترش ایجابات قبلی سابقه فلسطینیان تا مسکن در مناطق اشغالی که اکنون بیش از ۶ ماه است ادامه دارد، ایفا کند. گسترش قیام توده‌ای در مناطق اشغالی یک بار دیگر مساله فلسطین را به حتمی‌ام ایجاب آن برای توده‌های عرب منطقه و مردم جهان مطرح ساخت، و بنابراین تا فاشیت‌ها با تدهک گام اسرائیل، حتی متحدین آنها را در حمایت آشکار از صهیونیست‌ها در مضیقه قرار داد.

در چنین شرایطی سازمان آزادیبخش فلسطین و حکومت الجزایر، به عنوان اعضای جامعه عرب و اجلاس فوری سران عرب برای بررسی قیام فلسطینیان و تا مین کمک و مساعدت نسبت به آن را خواستار شدند. هر چند این اتفاقا به مذاق امریکاییسم امریکایی و صهیونیست‌ها سازگار نبود و به دلیل شرکتی عده‌ای از حکام مترقی کشورهای عربی مدتی به تعویق افتاد، اما سرانجام طی ماه‌های پیش، اجلاس مورد بحث

در اجلاس برپا شد. دستورالعملی این اجلاس بررسی قیام فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی، ضرورت حمایت سیاسی فعال از آن، چگونگی تا مین مبارزه‌های مالی و غیر مالی و ایجاد وحدت نظر و دستیابی به موضوعی واحد پیرامون عمده ترین اهداف و خواست‌های مبارزه‌شان بود. شالده بی حدی، رئیس جمهوری الجزایر، طی نطق افتتاحیه خود در کنفرانس سران اظهاردات که: "کار اصلی کنفرانس، تلاش و کمک به فلسطینیان برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی است که با سد بیت المقدس با تاخت آن باشد". سایر مناقشات منطقه‌ای، از جمله جنگ ایران و عراق نیز در دستور کار کنفرانس قرار داشت.

اهمیت این کنفرانس از آن جهت بود که در یکی از حاسن ترین لحظات برای جنبش مقاومت فلسطین برپا شد. شرایطی که تا حدی عمده‌ای، ادامه شش ماهه و سپس با بقعه مقاومت و مبارزه توده‌ای در سرزمین‌های اشغالی است. قیامی که در مسقف صهیونیست‌ها و در دیپلماتی آنها، تفاها و سردرگمی بی‌باک‌های ایجاد کرده است، و اختلاف بین صهیونیست‌های اسرائیلی و حاسین بین‌المللی‌شان را افزایش داده است. شرایطی که تحولات سیاسی و دیپلماتیک وسیع امریکا و متحدان منطقه‌ای، برای آنکه روند‌های پرتحول منطقه را تحت کنترل خود در آورند و بر آنها موثر افتند، با این بست مواجه شده و حتی ملک حسین به عنوان یکی از مجریان طرح‌های امریکایی در منطقه، به مخالفت‌های بی‌باک و طرح شولتز پرداخته است.

به علاوه تحولات و فاع جهان و اروپا بسط و مناسبات بین شرق و غرب بر مبنای سیاست‌های ملحد و ستاد دیپلماتی و واقع بینانه اتحاد شوروی، به گونه‌ای است که شرایط جهان برای حل و فصل عادلانه و مسالمت آمیز مسائل خاور میانه به نفع پیش از پیش قیامی خود.

کنفرانس سران عرب در اجلاس این نظر شرکت‌های نمایندگان همه کشورهای عضو به خصوص ۱۶ تن از رهبران این کشورها در آن، به لحاظ مبارزه‌های مریزی قبلی و ایجاد هماهنگی و تصمیمات و قطعنامه‌های پایانی، حاشیه اهمیت زیادی است. کنفرانس تا مین کمک‌های مالی و غیر مالی برای "س.ا.ف" و قیام فلسطینیان را مورد تصویب قرار داد و تصمیمات مشخص و عملی در این باره اتخاذ کرد. با اعلام موضع مریح در رابطه با ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای حل مسئله فلسطین در آن زمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین و متساوی الحاقی با سایر طرف‌های درگیر شرکت نماید، همچنین تا کنون ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی، عملاً طرح شولتز را بر تلافی‌های دولت‌های عربی از جمله حکومت اردن، برای ایجاد فدراسیون اردنی - فلسطینی و شرکت فلسطینیان در کنفرانس بین‌المللی ملحد خاور میانه در کار در هیات نمایندگان اردن را، رد کرد. جنبش وحدت نظری در سال‌های اخیر و از زمان تشکیل کنفرانس سران عرب در "فاس" (مراکش) در سال ۱۹۸۲ تا کنون بی‌باک بوده است.

کنفرانس همچنین حمایت همه جانبه از مبارزه‌های ملی و مترقی لبنان علیه صهیونیست‌ها، مورد حمایت قرار داد تا مین مالی کمک‌هایی برای کشورهای خط مقدم جبهه عسکران علیه اسرائیل را متعهد گردید.

اجلاس الجزایر، امریکا را به خاطر حمایت یک جانبه از اسرائیل و تخریب روند ملحد خاور میانه محکوم نمود. قطعنامه‌های پایانی کنفرانس سران امریکا را به خاطر تا مسبات‌هایی که حقوق حقوق عادلانه فلسطینیان را نادیده می‌گیرد و اسرائیل را به اعمال سیاست‌های خونخوار میز و جنگ طلبانه ترغیب می‌کند، محکوم کرد. کنفرانس سران از پیشینه اهداف مبنی بر اعزام نیروهای بی طرف سازمان ملل متحد به مناطق اشغالی، به خاطر ایجاد امنیت برای فلسطینیان تا کسین در این مناطق، تا زمان حل و فصل ملحد میز مسائل موجود، موافقت نمود. قطعنامه‌های پایانی همچنین از آهنگ دوناتو و شرکت‌های شورای امنیت برای حل و فصل ملحد میز مسئله فلسطین، انتقاد کرد و تحریک بیشتری را در این باره خواستار شد. کنفرانس سران جامعه کشورهای عرب در الجزایر، موفقیت سیاسی بزرگی برای مبارزه خلق فلسطین و نیروهای ملحد دوست و مترقی خاور میانه محسوب می‌شود. ایجاد چنین هماهنگی در سطح وسیع و همبستگی که عمدتاً خط مشی "س.ا.ف" و حکومت‌ها و نیروهای ملی و مترقی عربی در آن نمودار است، بدون تردید در تحولات آتی مسائل اعراب و اسرائیل مهم نقش بسزایی خواهد داشت. این کنفرانس نتایج نشان داد که در صورتیکه "س.ا.ف" متحد و یکپارچه باشد، دولت‌های ملی عرب بر اختلافات خود قیام خواهند کرد و هماهنگی سازمان آزادیبخش فلسطین حرکت کنند و سیاست‌های واحدی اتخاذ نمایند. قارخواهند بود از تلاش‌های مذبح‌ها در امریکا و حکومت‌های مترقی عرب، جهت تا سیرگذاری و سمت دادن به روند‌ها

المیلیک سئول؛

میدان نبوده‌های سیاسی و ورزشی

دنبال حادث اخیر، امیرالایسما آمریکا به بهانه ساختگی خطر حمله کره شمالی به کره جنوبی، ناوهای جنگی خود را به این منطقه گسیل داده تا در صورت لزوم به «مشت آهنین» متوسل شود.

المیلیک سئول هر چند به یک «المیلیک سیا سی» بدل شده است، با اهمیت ورزشی آن همچنان بی‌بهره است. هم اکنون هزاران ورزشکار را از قاره جهان برای نشان دادن دوستی و صلح میان ملت‌ها و برای نمایش توانایی‌های جسمانی شگفت‌انگیز انسان، خود را آماده می‌کنند. هر المیلیک گامی است تا زده‌ریز و فرشت ورزش، و المیلیک سئول نیز از این قاعده برکنار نیست.

اما نه تنها در المیلیک سئول و نه نزدیک شدن زمان برگزاری آن، در ورزش ایران، تحرک و تکان قابل ملاحظه‌ای پدید نیامده است. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه سیاست‌های فزونی خود که متوجه انزوا و ورزش ایران از میان‌دین بین‌المللی است، مانع شرکت ورزشکاران در کشورها در اکثر رشته‌های ورزشی تدارکاتی و مقدماتی المیلیک گردید. ورزش زنان به طور کامل از صحنه برکنار شده است. شد بسیاری از رشته‌های ورزشی مردان نیز با مسامحه امکان شرکت در مسابقات مقدماتی را نیافتند. برخی رشته‌ها، نظیر فوتبال، به دلیل عدم اجرای قوانین بین‌المللی از سوی رژیم در نیمه‌سده راه از شرکت در مسابقات بازماندند. سرانجام نیز ورزشکاران ایران تنها در چند رشته ورزشی نظیر وزنه برداری و کشتی و دوچرخه سواری، و نیمه به طور ناقص، تا مزدفربه سئول شدند. همین قدر هم از سوی جریانات و دستجات مافوق ارتجاعی که خواهان کناره‌گیری کامل ایران از مسابقات هستند، مورد اعتراض قرار دارد.

عدم تدارک کافی، نبود بودجه، بودجه‌ای که بدون وقفه به کمک ریخته می‌شود، کنترل‌های شدید و مبنای برای شناسایی و تحقیر ورزشکاران

المیلیک تابستان ۱۹۸۸ سئول در راه است. هر بار نزدیک تر شدن لحظاتی که ۱۴۷ تن همیشه‌فروزان بازی‌های المیلیک، پس از زیمودن هزاران کیلومتر راه از بیوتان به استادیوم در آسیا، اروپا و آسیا آمریکا می‌رسند، مثل المیلیک را به نشانه غم‌ناک دور جدیدی از این جشنواره جهانی ورزشی مشتعل سازد، همان ورزش یکبار رجه در هیجان فوهری بود، زیرا که المیلیک بزرگ‌ترین و معتبرترین رویداد ورزشی است. المیلیک سئول اما، تنها یک رویداد دوررزی نیست و با رشته‌های از مسائل سیاسی جدی و ریشه‌دار گره خورده است.

انتخاب کره جنوبی برای برگزاری المیلیک ۸۸ از همان نخستین روز، اعتراضات فراوانی را برانگیخت. نیروهای دمکراتیک کره جنوبی و هم چنین جمهوری دمکراتیک خلق کره، خواستار برگزاری مشترک المیلیک از سوی هر دو کره شدند. المیلیک وسیله‌ای برای نزدیکی دو بخش کره و کمک به اتحاد مسالمت‌آمیز آن‌ها است. جمهوری دمکراتیک خلق کره با همین هدف پیشین‌ها دگرگانه به حالت موقتاً بله‌چینی با آن داده‌شده، شمال و جنوب عدم حمله به یکدیگر را اعلام کردند. المیلیک به طور مشترک برگزار گردد. همه کشورهای و نیروهای شرقی خواهان برگزاری مشترک المیلیک پیشین‌ها می‌گردند، اما کره جنوبی و امپریالیسم آمریکا، یعنی مداخله‌طلبان جدائی‌جوکره، با همه این درخواست‌ها مخالفت کرده و با امرای رانجا پان‌چین فقط در خاک کسره جنوبی، جدائی و تقسیم‌دوگره را مورد تأیید قرار دادند.

هم‌زمان با نزدیک شدن زمان برگزاری المیلیک، اعتراض در خود کره جنوبی شدت گرفته است. چندی پیش هزاران دانشجو و جوان کره جنوبی به اعتراضات و تظاهرات خیابانی، خواهان ملاقات با دانشجویان جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکره پیرامون وحدت مسالمت‌آمیز دو کشور شدند. حکومت کره جنوبی این پیشین‌ها را نیز رد کرد. برادریسین پیشین‌ها به برداشته اعتراضات افزوده است. مردم کره جنوبی و نیروهای دموکراتیک ایران که شور می‌کشند با زوهای المیلیک را به وسیله‌اشی جناحیست و سرکوب و فساد دیکتاتوری کره جنوبی و تقویت روند و فساد شمال و جنوب کشورشان تبدیل کنند. به

مخالف رژیم از ترکیب تیم‌ها، درگیری‌های میان نا پذیریا ندهای حکومتی در دستگا ورزش و تعویض بی دردی مسئولین و مربیان، تیم‌های ایران در دنیا مناسب ترین شرایط قرار داده است. تجارب پیشین نشان می‌دهد که حتی در استادیوم برگزاری مسابقات نیز، تصمیمات ناگهانی مسئولین می‌تواند نهمه چیز را عوض کند و سرفروزشکاران را ملتی سازد، رفتن یا نرفتن. تا آخرین لحظات زیر سؤال است.

با چنین وضعی، نتیجه شرکت حقیرانه، ناقص و ناتمام و نادرک نندیده تیم‌های ایران در المیلیک ۸۸ از پیش روشن است. سئول عرصه شکست دیگری است، اما نه شکست ورزشکاران، بلکه شکست رژیم سیاست‌های فزونی آن. ورزش ایران با بقدهای قدیمی و درختان دارد. اگر از موروز ورزش ایران این چنین بیما و ضعیف و بی اعتبار است، اگر امروز ورزش ایران در هیچ عرصه بین‌المللی جایی و درختی ندارد، گنا و ورزشکاران نیست، گنا و رژیم آخوندی فزونی است که هر ایران است.

برای اینکه قهرمانان ایرانی بتوانند نتایج آن‌ها را که با سیاست در میان‌دین بین‌المللی حضور یابند، درخشش داشته باشند، نمونه‌ها خلاق و فرهنگ اصیل مردم ایران باشند و تا کشور ما را بلندآرزو سازند، با ورزش را از زنجیر «مکتب نجات‌دهنده» با یاد خواندها و آخوند مسلک‌ها نجات دهند. از ورزش‌ها تقدیر سرشته‌ها را ننگه از علم و دانش، از دستگا ورزشی کشور بیرون ریخته شوند، به کنترل بر ورزشکاران با آن داده‌شده. معیارهای نظیر ریش و تسبیح و اعتقاد داشتن به جنگ و آدم‌کشی برای گزینش در تیم‌ها لوگوردها مستعدا دوا قعی ورزشی جانشین آن شود. ورزشکاران، خبرنگاران و پیش‌گامان دلسوز ورزش، خود را راه موروز کسره و گنور را به دست گیرند و در یک کلام دستگا ورزش کسره دموکراتیک‌ها را از صحنه بردارند. صورت است که این پیشگامان در ورزش را به سلامت و نایب خود را بازمی‌یابند. مبارزه ورزشکاران و جوانان در این راه، مبارزه برای نجات ورزش آخوندی‌ها، مبارزه برای تحقق رسالت ورزش و رساندن پیام صلح و دوستی هم‌میهنان ما به مردم جهان و نیز کسب افتخارات بزرگ در المیلیک‌های بعدی است. □

شبه کودتای ضیا الحق

ضیا الحق، رئیس جمهوری مستبدی کستان، با یک شبه کودتا، دولت مجلس قانون گذاری پاکستان را منحل و دولت جدیدی را به جای دولت قبلی گزینش کرد. رئیس جمهوری کستان که با دولت «مخدعان چونجو» نخست وزیر پاکستان بر سر مسایل پیرامون افغانستان و چگونگی راه حل برخورد با مسایل اقتصادی اجتماعی کشور - که حالت بحران شدیدی به خود گرفته است - به اختلافاتی رسیده بود، چاره کار را در انحلال دولت و مجلس دید.

زید باراتی، وزیر امور خارج دولت پیشین که ریاست هیات نمایندگی پاکستان در امضای قرار داد دژ نو در باره مسئله افغانستان را به عهده داشت، ضمن توضیح موضع ضیا، در باره قرار داد دژ نو مبنی بر مخالفت و ایجاد مانع در راه اجرای آن، اظهار داشت که «بین ما اختلافاتی وجود داشته است که اگر پیش از این بگویم، ممکن است به زندان بیافتم».

ضیا الحق با تغییر ناگهانی کابینه، به سر اسلامی کردن حیات جامعه و اجرای اجباری مراسم مذهبی و انجام محدودات اسلامی انگشت گذاشته و مقررات جدیدی در این خصوص اعلام داشته است. ضیا الحق در ضمن گفته است احزاب سازمان‌های سیاسی، سرچشمه‌ها بسا مانع‌ها و ناسازگاری بوده‌اند و این‌ها هستند که حکومت را فلج کرده‌اند.

طبق قانون اساسی پاکستان، رئیس جمهور می‌باید حداقل تا سه ماه پس از انحلال مجلس - یعنی اوایل شهریور ماه - انتخابات مجلس برگزار کند. در این باره ضیا، با اعلام نظر صریحی برای انتخابات سری و «اجازه» شرکت بعضی احزاب سیاسی در آن، قول داده است که سر مو عهده انتخابات صورت گیرد. ضیا چنین قولی را به یک بار دیگر در سال ۱۹۷۷ و وقتی که به سر کار آمد، به مردم دادولی «اجرای آن بیش از ۸ سال یعنی تنها سال ۱۹۸۵ که حاکمیت نظامی در پاکستان سرکار بود به دربار کشید. اکنون با دیدن این رژیم سر سر کرده امپریالیسم آمریکا در منطقه، که با بحران سخت اقتصادی و سیاسی روبروست و علت نابسامانی‌ها را می‌شمارد، در احزاب و سازمان‌های سیاسی جستجو می‌کند، تا چه حد «قول» خود وفا داده و هدیه‌ها چه اندازه و چگونه احزاب سیاسی «اجازه» شرکت در انتخابات بپذیرد می‌کنند.

۲/۵ میلیاردر و روپیه کسری موازنه بر داخت، کاهش شدید ارزش پول پاکستان به میزان ۳۳٪ در سه سال گذشته که در ۴۰ سال اخیر بی سابقه بود، ۴۰ میلیون بیگار، کاهش ۵۵٪ از زودلار ترفتی که توسط مسولین پاکستان می‌شده که در کشورهای عربی نفت خیز منطقه مشغول کار می‌نمایند و در سال جاری قریب ۵۵ هزار نفر دیگر از آنها به کشور بر می‌گردند و به خیل بیگاران می‌پیوندند، بودجه نظامی سرسام‌آور که در اخیر

به ۶ میلیارد افزایش یافته است و به ۴۸ میلیارد روپیه رسیده است، وجود میلیون‌ها آوارگان و حضور نیروهای مسلح هند و انقلاب افغانستان در شهرها و نقاط مرزی پاکستان، و افغانستان که سالانه بودجه و امکانات عظیمی به آنها اختصاص داده می‌شود، مطالبات و اعتراضات رو به گسترش مردم، درگیری‌های قومی و اختلاف نظر در دستگا‌ها که میرا چون مسایل عدیده کشور، همه و همه رژیم پاکستان را در یک وضعیت بحرانی حاد قرار داده است. هم‌اکنون احزاب و فراملیاتی بر بارها پاکستان مسلطند، اما کابینه سرما به‌های خارجی روز به روز بی‌ثباتی شود و رژیم برای مقابله با کسری بودجه خود، همچنان به سرگردانی و ام‌از خارج می‌دور می‌کند. اخیراً کسری سویم بانک جهانی به توافق وام ۳ میلیارد دلاری رژیم پاکستان روی موافق نشان داده و حاضر شده است تا ۲/۵ میلیارد دلار به آن وام‌دهد به شرط آنکه سوید تعدادی از کالاهای مورد نیاز رژیم برداشته شود.

آمریکای پس از سقوط رژیم شاه که نقش زاندر می منطقه را به عهده داشت، به پاکستان توجه ویژه‌ای مینماید که در روز به روز پیش از این در منطقه در جهت تأمین منابع خود با لبرده است. با تجهیز ارتش پاکستانی به مدرن ترین سلاح‌ها و تجهیزات، ایگام‌های نظامی هوایی و دریایی مختلف، بزرگترین ارتش طرفدار خود در منطقه را پدید آورده است. ارتش پاکستان که عضو «سنتکوم» است جریان عبور نیست. خلیج را به غرب محافظت و کمک می‌کند و هر لحظه آماده است به یاری مرتجعین منطقه بشتابد.

مسئله‌ای که هم‌اکنون اهمیت ویژه کسب نموده و تا حدی نیز نیروهای سیاسی منطقه را نگران کرده است، سیاستی است که رژیم ضیا، الحق نسبت به اجرای مفاد قرار داد دژ نو پیرامون حل مسئله افغانستان دنبال می‌کند. ضیا، الحق که قرار داد را تحت فشار مشکلات داخلی و بیرونی محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی امضا کرده است، به بهانه‌های مختلف در راه اجرای آن سنگ اندازی می‌کند. در حالی که تظلمه نیروهای شوروی از خاک افغانستان، وارد دومین ماه خود شده و بلاوقته دامه‌دارد، نیروهای ضیا انقلاب افغانستان با بی‌وفایی از کمک‌های بی‌دریغ رژیم پاکستان، همچنان در نقاط و شهرهای مرزی پاکستان و افغانستان جا خوش کرده اند و به کمک پاکستان به بهانه‌های عملیات تخریبی و نقل و انتقال انواع و اقسام سلاح‌ها، به خاک افغانستان، ادامه می‌دهند. رژیم پاکستان تا آخرین تلاش‌های خود را به کار می‌گیرد تا علیرغم مفاد قرار داد دژ نو، «دولت انتقالی» مطلوب وی در افغانستان روی کار آید، ولی مشکلات عدیده داخلی و بحران و خستگی و فزاینده در کشور، سیاست‌های متخذه از جانب دولت افغانستان و اتحاد شوروی، تحقق این آرزوی شوم ضیا، الحق را روز به روز دشوارتر می‌کند. □

کفران سران ... بقیه در صفحه ۸

در منطقه، جلوگیری کنند و مهر و نشان خود را بر تحولات اوضاع منطقه بکشند.

طبیعی است که تا دو ماه این موفقیت و عملی شدن تصمیمات سران، منوط به حفظ یکپارچگی حکومت‌های ملی عرب، گسترش دامنه‌های اتحادیه کشورهای عربی که مواضع میان‌روان در رابطه با مساله فلسطین دارند و همه می‌توانند گسترش و تحکیم اتحاد دو هنگامی میان سوریه، «ساقا» و نیروهای ملی و متوققی لبنان است. زیرا بروز اختلاف طرف‌های حکومت‌های ملی عرب به طور عمده به خاطر مواضع سیاست‌های متفاوت آنها نسبت به مسائل فلسطین، زمان آردیبخش فلسطین و گروه‌های مختلف فلسطینی عنوان می‌شود. سران ما از این مساله اتحاد و عمل مشترک، زمینه‌سبب‌اری از تفاوت مواضع سیاست‌های کشورهای و نیروهای ذکر شده را کاهش می‌دهد و بر تحولات مثبت در منطقه، تا شریجی بسر جای می‌گذارد.

تحولات چند ماهه اخیر در منطقه عربی که در میان نه کسها خن آن، وحدت، یکپارچگی و عمل مشترک گروه‌های ملی تشکیل دهنده زمان آردیبخش فلسطین، قیام حق طلبانه، بی‌باک و بی‌قصد بوده‌ای در سرزمین‌های اشغالی، از فاش شدن مجدداً عقب‌نشینی تا شریک‌داری «ساقا» در مسائل منطقه، و نزدیک‌سازی هم‌هنگی بین حکومت‌ها و نیروهای مترقی عرب است، زمینه‌های مناسبی برای تشکیل کفران‌نسن (بین‌المللی و واقعی جهت حل و فصل مساله فلسطین را پدید آورده است. «ساقا» است، فرا هم می‌آید. اینجا دشمنی‌ها و فاع بین‌المللی و روابط شرق و غرب که با اینکار صلح‌دوستانه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی پدیدار گشته و حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌های منطقه‌ای را در دسترس قرار داده است، همچنین حمایت بین‌المللی مردم کشورهای شرقی و صلح‌دوست و افکار عمومی مردم جهان از قیام و مبارزه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی و جنگ کردن جریانات فاشیست ما با نهنده صهیونیست‌ها را در این مناسبت، همگی چشم‌اندازهای امیدبخشی را برای حل و فصل عادلانه و همه‌جانبه مساله مسائل خلق فلسطین می‌گشاید.

یکی دیگر از موضوعات مهم مورد مباحثه در کفران سران عرب در الجزایر، جنگ ایران و عراق بود. جنگی که رژیم صدام مسئول آغاز آن و رژیم خمینی مسئول ادامه آن است. جنگی که از رهگذر آن، پس از مردم ایران و عراق، بیشترین لطمات و ضربه‌ها به مبارزه عادلانه خلق فلسطین علیه صهیونیست‌ها را در اشغال‌گروا داده است.

سران عرب در کفران‌نسن اخیر خود به طمس سرز بی‌باک‌های رژیم خمینی را به خاطر ادامه جنگ و عدم بقیه در صفحه ۲

بازداشت مخالفان جنگ محکوم است

ع تن از اعضا و مسئولان "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" و "نهضت آزادی ایران" به وسیله عوامل سرکوب رژیم با زداشت شده اند. تعدادی از با زداشت شدگان به علت کسرسن در وضع مزاجی بدی قرار دارند.

دستگیری شماری از عناصر و مسئولان جمعیتی که می گویند "پشت آزادی" طی نامه ای سرگشته دهنده خمینی، از با سیاست جنگ طلبانه و شیوه های سیاسی رژیم در برخورد با مخالفین خود را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی به پیش بربرد، بیش از هر چیز بی انگرشت است. استدلالها کمبر میهنی است. در عین حال این دستگیری، در شرایطی که وضع سیاسی کشور پیش از هر زمان دیگری حساس شده، به مثابه یک اقدام سیاسی جا ترا اهمیت است.

بازداشت های اخیر، پس از آنجا که گرفتار شده "نهضت آزادی"، طی نامه ای سرگشته دهنده خمینی، از او به خاطر فشارهایش در امداد جنگ و عدم توجه به حتی به نظرات "معتدیان" و "شخصیات" این نهضت یاد کرده، بنا به مرسوم بعد از بازگزار این شخصیت فرمایشی مجلس سوم که نهضت آزادی نیز از شرکت در آن محروم شده بود، در شرایط جنگ های نظامی رژیم در خلیج فارس و جبهه های جنگ و همزمان با بروز ناپایداری منتهی به مخالفت برخی از آیات عظام و پاره ای از محافل با زاری، با جنگ طلبی خمینی و رشد اقدامات تلخ خواهانه توده مردم، با انتشار یافت.

بازداشت شماری از رهبران "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران"، با اعدام شخصیت مبارز و انقلابی نامدار، رفیق انوشیروان لطفی و دروزنده انقلابی دیگر، همزمان بوده است. رفیق لطفی، عضو و رهبر سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما، به مثابه یک کمونیست ثابت قدم و یک مبارز بیگرنه رژیم آزادی، شناخته شده بود و بسیار از احزاب مترقی سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان، برای نجات جان او مبارزه کرده بودند.

این بازداشت ها و اعدام ها، در عین حال با نگرانی است که رژیم در مانده خمینی، زمانی که خطر شدنا رفتاری شده ای علیه جنگ و استبداد را احساس کند، به وسیله املی بقای خود، یعنی ترور و سرکوب متوسل می شود، در این رابطه علاوه بر کشتار انقلابیون پیگیر و کمونیست ها، مخالفت و اعتراض آبوزیسیون قانونی خود را نیز سرکوب می نماید.

سازمان ما، برخورد سرکوبگرانه رژیم پس از بازداشت جنگ و انقلابی و دستگیری ع تن از اعضا "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" را محکوم می کند. لازم به تذکر است که "نهضت آزادی ایران" و "جمعیت..." تاکنون تنها از حق فعالیت آزادانه خود دفاع کرده اند و سرکوب نکرده اند و این کشور را نیز به صورت شخصی محکوم می ریزند. ما تا مین آزادی در کشور است.

سازمان ما معتقد است که "دفاع از آزادی" تنها زمانی معنای واقعی دارد که به صورت دفاع از فعالیت سیاسی همه نیروهای مترقی دفاع از حقوق توده های مردم برای متشکل شدن در سازمان های سیاسی، یعنی، اجتماعی و... و نیز محکوم کردن قاطعه اذیات سرکوبگرانه رژیم در برخورد با همه نیروهای انقلابی و مترقی خواه کشور، تجلی یابد.

احتمای گردیدند. حسابیت مرحله کنونی جهان و خطری که هستی بشریت را تهدید می کند، هم چنان تلاش بیشتر و مسئله تری را طلب می کند. شناخت و درک عمومی این موضع توسط جهان نیا تاکنون املی برخی قرار داده ها را امکان پذیر ساخته است. امداد اخیر سازمان اتحاد شوروی و آمریکا گام دیگری بود در جهت درک بیشتر طرفین از هم دیگر در این راه. تلاش های بعدی هم چنان باید متوجه تا مین جهان غیر هسته ای و غاری از زورگویی باشد. سنگ اندازی های برخی محافل امپریالیستی برای اینکه ایده های فئودالیست و فئودالیستی برای اتمک ایده های فئودالیست خود غرض آنهاست. منافع عمومی ساکنین کره زمین در نقطه مقابل منافع محافل فوق قسار دارد.

ماندن یا تکه تکه شدن و سرفروندنی اردن در مقابل دشمن است. آنجا که مرگ یک کمونیست، درست به مان مرگش، بقره ای است. اما نه ای، مدافع از منافع یک خلق است. کمونیست ها بی لحظه ای تردیدند می گویند: بگذار که جان ما نماند.

هشت تیر، با آ ورمبا زده رفقای است که در سخت ترین لحظات تاریخ سازمان، در شرایطی که حتی لحظه ای درنگ یا بی توجهی می توانست، رسد و تکامل آتی آن وحشی با لاش، بقای آن را به مخاطره اندازد، با هشیا ری، با تدبیر، با شناخت دقیق موقعیت تاریخی و از با می محیح از اهمیت بقای سازمان و ادا مورشیا بنده خیا ت آن، دلاورانه ایستادند. با دشواری ها جنگیدند، سازمان را از گردنه های مهیب تاریخی به سلامت گذراندند، تمامیت آن را حفظ کردند و آبدیده تر و قدرت مند تر بسبب همزمان شدن سرگردند. هشت تیر، با آ ورمبا میردی همه بارانی است که تلخ غم مهلک های بسبار در تاریخ سازمان ما، برج میرا افتخار آن را بر فراشته نگهداشتند.

هشت تیر، نمایانگر عبت بودن آرزوها و نقشه های مرتجعینی است که در پی هر فریب به سازمان ما، نغمه سوم می دهند که: "دیگر شما شد، دنیا به کاشد" و می خوا هندیه مردم رنج دیده ما و نیروهای انقلابی القا کنند که اگر چه قدر قدر است و هیچ نیرویی را یاری مقابل ما نیست. اما تا مینشانه با فرار شدن فئوس و ارسا زمان در پی هر فریب، به نماند و رزوح بودن این ادعا است. تاریخ به پر افتخار سازمان ما به خوبی نشان می دهد که می توان فدائی خلق را از زیر شکنجه بدات رساند، می توان و را تیرباران کرد ولی ممکن نیست که فدائیان خلق را مغلوب کرد. زیرا سازمان ما در بطن توده های خلق نطفه بسته، رشد کرده و بالیده است و در راه پیروزی جنبش مردم، روزی روزی پیش ترمی رود. بسبب و ددمش می هیچ رژیم می توان و در سخت هستی ما را از زکشتزار پنهان و روهواره بر آوردند برکنند.

ما با سر بلند ای و افتخار به راهی که پیموده ایم، با وفاداری به آ زمان و والای کارگران و جنگش و با یاری جا نبا زنده در سنگرزوم شهیدان ما، برج می را که در دست حمیدا شرف و دیگر همزمان دلاورمان در اهتزاز زبده در سال گذشته نیز خون دلاورانی چون، انوشیروان لطفی، علیرضا اکبری، محمود کی پور و آرمیا پورنیا آذین یافت، بلند تری قراریم، بذرهای آگاهی و مبارزه را در زمین کینال و در میان مردم رنج دیده ما می افشانیم. بی گمان، آفتاب آزادی و خوشبختی بر ما میهن عزیز ما، برتو افشان خواهد شد.

نماند و در جهت کنترل و محدود کردن تعسداد آزمایشات هسته ای تلاش کنند. رهبر شوروی در کنفرانس مطبوعاتی جنب دیدار سران، با ردیگریا آ ورنده که اصرار آمریکا بر سر اجرای برنامه منهدج ستارگان همچنان با نفعی در راه کاشی و بنا بودی سلاحهای استراتژیک نجا می است. صخا شیل گار با جف درهمین کنفرانس اظهار داشت که در شرایط آینده اتحاد شوروی و آمریکا به برسانس اعراب و تشدید و تکمیل قدرت جنگی، بلکه بر مبنای خلع سلاح موازنه منافع و طرف و همکار ی همه جانبه با یدا ستوار با دشواری است تقابل با بدیهی است هسته هستی ما. لمت آمیز و همکار ی متقابل بلا موندن سوق یابد. در کنفرانس تا کید شده که گسترش مناسبات دوجانبه و فزایشی تبادل و همکار ی بین اتحاد شوروی و آمریکا، زمینه تها همای با زهم بیشتر ی بین دو کشور قرار هم می ورد. رهبر شوروی روش کنگره آمریکا و شخص رئیس جمهور را مبنی بر ایجاد مانع در راه گسترش مناسبات موردا نشنا دقترا داد.

در دیدارهای متقابل رهبران شوروی و آمریکا حقوق بشر و مسائل انسانی و مناسبات منطقه ای برای یافتن راه حل مسائل آمیز آنها، مسورد بحث منظر قرار گرفت. از جانب رهبران شوروی اظهار نظر شد که مسئله حقوق بشر در شوروی، از جانب آمریکا مورد سوء استخاده تبلیغاتی و حتی محنه سازی های تحریف آمیز قرار می گیرد. در این باره درگیری های منطقه ای، مقامات شوروی با ردیگر آ بادگی خود را برای هر گونه کمک در راه یا یسان دادن مسائل آمیز این درگیریها در هر نقطه جهان اعلام داشتند. به طرف آمریکا با آ ورنده که بسبب تعهدات خود در این عرصه، از جمله در رابطه با مسئله افغانستان با ی بندیمانند.

رئیس جمهور آمریکا و هیئت همراه آن در طول دیدار از اتحاد شوروی امکان یافتند، از نزدیک در جریان روندنوسازی در اتحاد شوروی قرار گیرند و ضمن تماس و مذاکره مستقیم با مردم شوروی و در دیدار با نمایندگان نویسندگان و هنرمندان و محافل اجتماع شوروی و رهبران اتحادیه ها، با زدیدن از دانگاه مسکو، از تعلیقات مردم شوروی نسبت به آمریکا و مسائل جهان به مرامت مطلع گردند. دو کشور طی این دیدار همچنین موفق به امضای مقاوله نامه در بسیاری از عرصه های اقتصادی و

۸ تیر روز شهدای سازمان گرامی باد

هشتم تیر ماه، سالروز شهادت رفیق حمیدا شرف، از بنیانگذاران و رهبران برجسته سازمان و ۱۰ تن از همزمان دلاور است که در سال ۵۵ از زندبندی قهرمانانه و محاسنی با مزدوران شاه، در خستسون غلغیدند. به هنگامی که اکثریت اعضای نخستین گروه بنیاد نگیز، سازمان - گروه رفیق جزئی در سال ۱۳۴۶ دستگیر شدند، رفیق حمیده همرا رفیق صفائی قراهانی، مسئولیت سازمان ندهی با قیما نده گروه و ادمکار را به عهده گرفت. ادمکار، همنا ایجا د سازمان چریک های فدائی خلق ایران بود که رفیق حمید در ان نقش برجسته داشت. بسبب از جمله سیاه گل و درختسختن ماه های اعلام موجودیت، سازمان ما متحمل ضربات سنگینی گردید. سازمان در پرتو تلاش های جانبا راننده و فدائیان نه خنی چندا ز رفقا و رفیق حمیدا شرف، بردشواری های این لحظات خطیر را بآ مسمد، نیروهایش تجدید سازمان شد و با دیگر حیات پویای خوبی را از سر گرفت. از این به بعد، رهبری سازمان فدائیان با نام حمیدا شرف شناخته می شود. به برکت بیگارا رینا رگرا نه و شبانه روزی فدائیان تحسنت رهبری رفیق حمید و در پرتو اندیشه های هدا یگرانه رفیق بیژن سازمان در سال ۵۴ و ۵۵ به بیسک سازمان نیرومند تبدیل شده دستاوردهای بزرگی در جهت تصحیح و تقویت مواضع سیاسی داشت یافت. هشیا ری، قاطعیت و درایت رفیق حمید، به ویژه در فن مقابل با پلیس سیاسی، نقش جدی در حفظ و ادا مکار سازمان داشت. از اده پهلادین و روحیه قوی او، همواره الهام بخش شمای همزمان بود. سازمان ما به پاس نقش برجسته و تاریخی رفیق حمیدا شرف در حفظ و تکامل سازمان و به پاس با بپردی سلحشورانه همزمان دلاور و کج لوه ای از رزمایشا رگرا نه همه شهدای با کبار فدائی است، روز هشتم تیر ماه، روز شهادت او را، روز شهادت فدائی اعلام کرده است.

فدائیان خلق در این روز، با دو خا طره جا ودان همزمان دلاور خویش و همه شهدای جنبش انقلابی ایران را گرامی می دارند، قهرمانانیکه در راهائی مردم ایران از بنده های اسارت امپریالیسم و ارتجاع از جان پاک خویش گذشتند. فدائیان خلق در ۸ تیر، سنت و میسرات گرانبهای را گرامی می دارند که رفقای جا نبا زشان بر جای نجا داده اند، یعنی: آنجا که ای دفاع از آ زمان است، آنجا که مسئله بر سر تسلیم شدن وزننده

روز روز هشتما با زده دم خود ادمه، به رهبران شوروی و آمریکا در مسکوپا یخت اتحاد شوروی، دیدار و گفتگوداشتند. سران دو کشور در امددیدارهای قبلی، مسائل سیاسی مهم جهانی از قبیل کاشی، تسلیحات تها جمی استراتژیک، حقوق بشر، درگیری های منطقه ای و همکار یهای اقتصادی و گسترش روابط دو کشور را مورد بحث و بررسی قرار داده اند.

بررسی متن پیش نویس مشترک قرار دادگاه تسلیحات تها جمی استراتژیک به میزان ۵۰ درصد مهم ترین بخش مذاکرات سران دو کشور بود. در فاصله دیدار و اشنگتن و دیدار اخیر، مذاکرات متعددی از جانب وزرای امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا با رهبران و دیگر مقامات هر یک از دو کشور، بیامون مسئله فوق و دیگر مسائل مهم صورت گرفته بود. در اعلامیه مشترک با یی دیدار مسکو، اظهار نظر شده که ضرورتی که تکمیلی بیشتری روی متن پیش نویس انجام گیرد و اسرا و میدواری شده که اگر کارها توسط دو کشور به نجوموشی دنبال شود و همه امکانات موجود بهره برداری گردد، این امکان واقعی است که در سال جاری در دوره ممداری دولت کنونی آمریکا، یعنی قبل از پایان یافتن دوره ریاست جمهوری ریگان، قرار داد در این باره نیز امضا شود.

در اعلامیه مشترک، از اده رهبران اتحاد شوروی و آمریکا بر امتناع از برزور جنگ بین دو کشور و خودداری از هر گونه اقدامی به نیت دستیابی به برتری نظامی بر یکدیگر تصریح شده و تحکیم مناسبات و امنیت اروپا در جهت تا مین صلح جهانی مورد تاکید قرار گرفته است.

در دیدار سران، اعتبار نامه های قرار دادنا بود کردن موک های میان بردو کوتا به برده در مجلس عالی نمانندگان دو کشور به تصویب رسید، در بدو بد گردید و بدین ترتیب اجرای قرار داد از ادمه سال گذشته در باره زمین بردن موک ها، و ادر مرحله عملی وجدی خودش، دو کشور طی قرار داد جدا گانه ای متعهد شدند که هم چنان با موک ها با قاره پیما و با لستیک، هم دیگر را مطلع گردانند و در زمین مناسبات انجرا را ت هسته ای زیر زمینی با یکدیگر همکار ی

روز هشتما با زده دم خود ادمه، به رهبران شوروی و آمریکا در مسکوپا یخت اتحاد شوروی، دیدار و گفتگوداشتند. سران دو کشور در امددیدارهای قبلی، مسائل سیاسی مهم جهانی از قبیل کاشی، تسلیحات تها جمی استراتژیک، حقوق بشر، درگیری های منطقه ای و همکار یهای اقتصادی و گسترش روابط دو کشور را مورد بحث و بررسی قرار داده اند.

بررسی متن پیش نویس مشترک قرار دادگاه تسلیحات تها جمی استراتژیک به میزان ۵۰ درصد مهم ترین بخش مذاکرات سران دو کشور بود. در فاصله دیدار و اشنگتن و دیدار اخیر، مذاکرات متعددی از جانب وزرای امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا با رهبران و دیگر مقامات هر یک از دو کشور، بیامون مسئله فوق و دیگر مسائل مهم صورت گرفته بود. در اعلامیه مشترک با یی دیدار مسکو، اظهار نظر شده که ضرورتی که تکمیلی بیشتری روی متن پیش نویس انجام گیرد و اسرا و میدواری شده که اگر کارها توسط دو کشور به نجوموشی دنبال شود و همه امکانات موجود بهره برداری گردد، این امکان واقعی است که در سال جاری در دوره ممداری دولت کنونی آمریکا، یعنی قبل از پایان یافتن دوره ریاست جمهوری ریگان، قرار داد در این باره نیز امضا شود.

در اعلامیه مشترک، از اده رهبران اتحاد شوروی و آمریکا بر امتناع از برزور جنگ بین دو کشور و خودداری از هر گونه اقدامی به نیت دستیابی به برتری نظامی بر یکدیگر تصریح شده و تحکیم مناسبات و امنیت اروپا در جهت تا مین صلح جهانی مورد تاکید قرار گرفته است.

آدرس P.F. 10 1091 WIEN AUSTRIA	حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARNER
-----------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!